



## مستندسازی تجربیات

اکبر دهقانی

مدیر منابع آب شهرستان نهاوند

شهریور ۱۴۰۱

## فهرست مطالب

۱. شرح مختصری از تحصیلات دانشگاهی	صفحه ۲
۲. مرکز تحقیقات آب و سد دز	صفحه ۳
۳. شرکت پارس آب تدبیر و لوله گذاری فاضلاب شهر تهران	صفحه ۳
۴. استخدام در شرکت آب منطقه ای غرب	صفحه ۴
۵. شروع به کار در آب منطقه ای ایلام	صفحه ۴
۶. شروع به کار در آب منطقه ای همدان	صفحه ۵
۷. شروع کار در نیروگاه برقآبی گاماسیاب نهاوند	صفحه ۷
۸. بازگشت به منابع آب شهرستان ملایر	صفحه ۱۳
۹. شروع کار مجدد در منابع آب شهرستان نهاوند	صفحه ۱۶
۱۰. رودخانه ها و انهار شهرستان نهاوند و چالشهای پیش رو	صفحه ۱۸
۱۱. کانال شعبان و معضلات حل نشدنی آن	صفحه ۱۸
۱۲. پمپاژهای غیرقانونی آبهای سطحی	صفحه ۲۲
۱۳. صدور سند مسیل باروداب	صفحه ۲۴
۱۴. پایان سخن	صفحه ۲۵
۱۵. ضمائم	صفحه ۲۶

## ((به نام خداوند همیشه همراه))

### موضوع : ارائه گزارش سوابق کاری

انسان بعنوان خلیفه و جانشین روی زمین که به نص صریح کلام آسمانی قرآن، با آموختن اسما الهی مسجود فرشتگان بارگاه الهی قرار گرفت و این قابلیت را یافت که فراتر از ایشان و گل سرسبد آفرینش گردد، و بار مسئولیت سنگین الهی را بر عهده گیرد که کوهها و آسمانها از پذیرفتن آن سرباز زدند و از طرفی محسود ابلیس لعین قرار گرفت که عهد و پیمانی سخت برای منحرف ساختن تمام انسانها از خداوند گرفت ، انسان ، این موجود ناتوان و ظلوم و جهول با داشتن چنین مسئولیتی سنگین و چنین دشمنی قسم خورده به جز یاری از ذات احدیت چگونه می تواند این راه صعب و دشوار را طی کند لذا از خداوند مهربان طلب یاری می کنیم که در همه احوال یاری رسان ما باشد و توفیقی عنایت نماید طوری زندگی کنیم که هدف اصلی مان از آفرینش را فراموش نکنیم و تمامی فعالیتها و شئون زندگیمان متأثر از هدف خلقت مان و مورد رضای خداوند باشد .

بازگشت به نامه شماره ...مورخ ....و با توجه به دستورات مسئولان محترم شرکت آب منطقه ای همدان به شرح ذیل سوابق کاری خود را در طول چندین سال سابقه کاری خود به حضورتان تقدیم می نمایم .

### شرح مختصری از تحصیلات دانشگاهی

اینجانب اکبر دهقانی فارغ التحصیل رشته کارشناسی بهره برداری و نگهداری از سد و شبکه از دانشگاه صنعت آب و برق شهید عباسپور تهران در سال ۱۳۸۱ می باشم .در طول ۴ سال تحصیلات با مبانی و مباحث مرتبط با مهندسی آب (مانند هیدرولیک ، هیدرولوژی ، ... ) و ابنیه و تاسیسات آبی (تعمیرات و بهره برداری و نگهداری از سد و شبکه ها ....) آشنا شدم

و بلافاصله پس از فارغ التحصیلی تجربه خود در بازار کار را آغاز نمودم و با توجه به شرایط کاری و اجتماعی جامعه گاه در جاهایی فعالیت داشتم که ارتباط چندانی با تحصیلات اینجانب نداشته اند علی ایحال بر تجارب این جانب افزودند و سبب وسعت افق نگاه و بصیرت اینجانب شد.

## مرکز تحقیقات آب و سد دز

بعد از فارغ التحصیلی به مدت ۴ ماه در مرکز تحقیقات آب تهران مشغول شدم و جهت انجام پروژه کاری به سد دز شهرستان اندیمشک استان خوزستان اعزام شدیم .

سد دز سد بتنی و دارای نیروگاه برقآبی است که بر روی رودخانه دز توسط یک کنسرسیوم ایتالیایی در ۲۳ کیلومتری شمال اندیمشک احداث شده است. این سد ۱۲۵۰۰۰ هکتار از اراضی پایین دست را آبیاری می کند و در کنترل سیلابهای بالادستی نقش عمده ای دارد. این سد دارای نیروگاه برقآبی با قدرت اسمی ۵۲۰ مگاوات است. از نکات جالب این سد ارتفاع ۲۰۳ متری آن از پی و حجم مخزن بیش از ۲.۵ میلیارد مترمکعبی آن است که ظرف سه سال ساخته شد شرایط جغرافیایی دشوار محل احداث سد و ساخت تونلهای دسترسی که همزمان با ساخت سد آماده شدند و دکلهای فشار قوی برق که بر دیواره های کوههای کناره بدنه سد که در جاهایی تقریباً به شکل عمودی می باشند و جز با هلیکوپتر امکان دسترسی و آماده سازی آنها میسر نشده بود بر عظمت و بزرگی ساخت سد افزوده اند. در قسمتی از دیواره سد اسامی کشته شدگان مهندسين و کارگرانی که در حین اجرای پروژه جان خود را از دست داده بودند که در میان آنها اسامی پرسنل کشورهای سازنده خارجی نیز یافت می شد و به چند زبان مختلف حک شده بودند نشان از سختی کار و دشواری این طرح عظیم دارد که ناخودآگاه دل آدمی را به خضوع و زبان را به تحسین می گشاید. سالن تجهیزات نیروگاهی و تولید برق در اعماق زمین و در زیر بدنه سد قرار دارد به طوری که برای دسترسی به آن از آسانسورهایی در اعماق زمین استفاده شده است. به طرز هوشمندانه ای جهت جلوگیری از افسردگی کارکنان و اپراتورهای مشغول در زیر زمین که می بایست ساعتها در دل زمین و دور از تالاب خورشید سپری کنند نورپردازی شده بود که این کار با ساخت پنجره هایی و با چند لامپ مهتابی و با زاویه چینش خاص ایجاد شده بود که حس نور طبیعی آفتاب را القا می کرد و گویا پنجره ها رو به نور گشوده شده بودند.

کارو پروژه ای که ما انجام می دادیم بر روی دریاچه سد دز و با قایق و با چند سری دستگاههای دیجیتالی برای اندازه گیری پارامترهای مختلف در اعماق مختلف دریاچه و جهت اندازه گیری میزان سختی و املاح و رسوبات تشکیل دهنده کف دریاچه سد صورت می پذیرفت. کار مورد نظر در دو شیفت صبح تا ظهر و بعد از ظهر تا غروب انجام می پذیرفت سه هفته کاری انجام می گرفت و یک هفته مابین آنها مرخصی داده می شد. و پارامترهای اندازه گیری شده بر روی دستگاه کامپیوتر تخلیه شده و جهت بررسی و تحلیل آمار مورد نظر به مرکز تحقیقات آب تهران ارسال می گردید. پروژه مذکور دارای تنوع بود و با توجه به گستردگی کارهای مرکز تحقیقات آب قرار بود پروژه بعدی در بندر انزلی صورت پذیرد به دلیل برخی مشکلات بعد از سپری شدن مدت ذکر شده از پروژه مورد نظر استعفا دادم و به دنبال کار بعدی رهسپار شدم.

## شرکت پارس آب تدبیر و لوله گذاری فاضلاب در سطح شهر تهران

بعد از مدتی و آگاه شدن از طریق یکی از دوستان دانشگاه با شرکت مشاور مهندسی پارس آب تدبیر آشنا شدم پروژه مورد نظر انجام لوله گذاری های فاضلاب شهری در سطح شهرتهران در محله های مختلف می بود. نوع کار با رشته تحصیلی دانشگاهی ام همخوانی نداشت و لی تجربه کاری مورد نظر برایم مفید. پروژه در مناطق مختلف شهر تهران و با کارفرمایی شرکت آب و فاضلاب تهران انجام می گرفت و هر چند محله تحت نظر یک ناظر ارشد انجام می شد و در محله مورد نظر نیز مهندس ناظری دیگر زیر نظر سر مهندس ناظر فعالیت داشت که ما نیز تحت نظر ایشان بر کار پیمانکارمربوطه نظارت داشتیم. در ابتدا در محله شهید محلاتی مشغول به کار شدیم کار شبانه روزی و تا بعد از غروب آفتاب ادامه داشت و تعطیلی هم نداشتیم و جمعه ها نیز مشغول کار بودیم. در کانکس دفتر نظارت نقشه اجرای کار محله مورد نظر نصب بود و طبق برنامه زمانبندی ارائه شده (اگر اشتباه نکنم دوهفته برای هر مسیر بود) می بایست لوله های پلی اتیلن سایز ۱۲ اینچ در کانالهای حفاری شده جاگذاری می شدند کف کانالها با بتن مگر آماده می شد و لوله ها پس از جاگذاری به هم متصل می شدند مرحله بعدی پر کردن کانال با مخلوط شفته آهک بود که توسط کارگران افغانی انجام می شد و نهایتا کارگزاری و دیوراه چینی منهولهای انتهایی مسیر می بود. بعد از چند ماه به محل تهرانپارس منتقل شدم و در آنجا نظارت بر عملیات لوله گذاری محله های تهرانپاس را برعهده داشتم. بعد از سپری شدن مدت زمانی و به دلیل برخی مشکلات امکان ادامه کار در پروژه مورد نظر برایم میسر نشد و در زمستان سال ۸۲ از آنجا کناره گیری کردم. در کنار مطالعه برای شرکت در آزمون کارشناسی ارشد مدت زمانی صرف پیدا کردن کار در جاهای مختلف نمودم و به شرکت های مشاور و پیمانکاری مختلف مراجعه نمودم و قصد فعالیت در یکی از شرکتهای مشاور و نظارت بر ساخت و ساز سد در لرستان را داشتم که دست تقدیر سرنوشت دیگری برایم نگاشته بود و با یک تماس تلفنی از کارگزینی شرکت مدیریت منابع تهران اعلام نمودند که با توجه به تعهد کاری داده شده در دانشگاه عباسپور و اعلام نیاز شرکت آب منطقه ای غرب در صورت تمایل برای انجام مصاحبه کاری به تهران و از آنجا به کرمانشاه مراجعه نمایم.

## استخدام در شرکت آب منطقه ای غرب

در تهران یک سری مدارک ارائه دادم و سپس جهت اقدام بعدی به آب منطقه ای غرب رهسپار شدم در انجام با آقای مهندس صلواتی صحبت داشتم (که ایشان در حال حاضر در قید حیات نیستند) با توجه به مذاکرات انجام شده و نیاز اعلام شده به آب منطقه ای ایلام و دفتر حفاظت و بهره برداری اعزام شدم.

## دورنمایی از استان ایلام

استان ایلام با مساحت ۲۰۱۳۳ کیلومتر مربع ، و براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای جمعیت ۵۸۰۱۵۸ نفر می باشد. این استان از غرب با کشور عراق از جنوب با استان خوزستان از شرق با استان لرستان و از شمال با استان کرمانشاه همسایه است این استان از استانهای جنگلی است شمال آن دارای اقلیم کوهستانی و زمستانهای سرد و جنوب دارای دشتهای وسیع و تابستانهای گرمی می باشد مرکز این استان شهر ایلام است. به علت کوهستانی بودن استان ایلام و ریزشهای مناسب برف و باران رودخانه های بزرگ و کوچک در این ناحیه جریان دارند که معروفترین رودخانه آن سیمره هست که سرچشمه آن از رودخانه های دامنه غربی کوه الوند در استان همدان و منطقه نهاوند است که با نام گاماسیاب شروع می شود و نهایتا و پس از دریافت شعب مختلفی از رودخانه ها از لرستان و کرمانشاه نهایتا با نام کرخه وارد خوزستن می شود از دشتهای مهم این استان می توان به دشت عباس، دشت موسیان ، دشت دهلران ، دشت مهران اشاره کرد.

### شروع به کار در آب منطقه ای ایلام

مورخ ۸۳/۰۳/۱۶ استخدام شرکت آب منطقه ای ایلام که در آن زمان به همراه ۴ استان دیگر شرکت آب منطقه ای غرب بود را تشکیل می دادند شدم. با توجه به اعلام نیاز شرکت مذکور در قسمت حفاظت و بهره برداری که در آن زمان ریاستش را آقای مهندس "تیلا" برعهده داشت شروع به فعالیت نمودم. و پست کارشناس تعمیرات بهره برداری و نگهداری از تاسیسات آبی را به اینجانب محول نمودند و تحت نظر مهندس باشقره و با همکاری چون مهندس نوروزی و مهندس مرادی مشغول فعالیت شدم. با توجه به کمبود نیرو بازدید های صحرایی از محل چشمه ها و آبهای سطحی را نیز انجام می دادم و از تاسیسات آبرسانی و کانالهای آبیاری سطح استان بازدید داشتیم. جهت انجام ماموریت به شهرستانهای اطراف مانند دره شهر ، مهران ، دهلران ، سرابله ، شیروان چرداول ، آبدانان بسته به نیاز کاری مراجعات مکرر داشتیم. استان ایلام که به عروس زاگرس نیز معروف بود دارای منطقه ای کوهستانی و پوشینده از درختان بلوط بود و طبیعت بکر و دوست داشتنی اش مسافران و گردشگران متعددی را به سمت خود جذب می کرد و کوههای اطراف پوشیده از فسیلهای صدفهای درشتی بود که نشان از دورانی داشت که کل منطقه مذکور در زیر سطح آب قرار داشته است. مردم با صداقت و دارای دلهای صاف و پاک آن ، محرومیتها و کمبود امکانات آن را تحت شعاع خود قرار داده بود، نداشتن گاز لوله کشی در آن استان درحالیکه اکثر استانهای کشور از این نعمت بهره مند بودند ذهن انسان را به بیش از یک دهه قبل و خاطرات کودکی و زندگی در دورانی که در صفهای طولانی با پیتهای نفت جهت تهیه سوخت گرمایشی قرار می گرفتیم سیر می داد. شخصیت آقای مهندس تیلا که بسیار جدی و مقرراتی بود زبانزد همکاران و ارباب رجوعان شده بود که هر از چند گاهی و با توجه به درگیریهایی که گاهی در سطح شرکت اتفاق می افتاد نقل زبانها می شد. ایشان انسان باسوادی بودند و با توجه به اینکه تا سال ۱۳۵۹ خورشیدی نیز در عراق بودند تسلط به زبانهای عربی و انگلیسی نیز داشتند و کتابهایی نیز به رشته تحریر درآورده بودند و نقدهای فنی و حقوقی نیز به قانون توزیع عادلانه آب داشتند که به صورت مکتوب به وزارت نیرو ارسال کرده بودند. علی ایحال هرچند وقت یکبار نوبت ما نیز می شد که بی نصیب از داد و بیبادهای ایشان نبودیم که البته اینجانب نیز با مثبت اندیشی جهت رفع ایرادات و کاهش نواقص خود بودم. اگرچه تجربه غربت و دوری از خانواده را در دوران دانشجویی و کارهای قبلی داشتم ولیکن غربت

عجیب و اندوهناکی در آن دوران بر دل آدمی در منطقه محرومی چون استان ایلام بر دل آدمی نقش می بست که البته وجود دوستان با محبت و همکاران دلسوز و مردم با صداقت آن دیار جبران بسیاری از کاستیهای آنجا را می نمود و تجارب ارزنده خود را به همراه داشت و در شکل دادن شخصیت من نیز تاثیری زیادی داشت. حدود یازده ماه در استان ایلام مشغول فعالیت بودم و با زمزمه تفکیک و استقلال استانهای تحت مجموعه شرکت آب منطقه ای ایلام اینجانب نیز جهت انتقالی اقدام نمودم و دست تقدیر دیگر بار اینجانب را به سرای تمدن ایران زمین یعنی استان همدان رهسپار نمود تا در در اوایل سال ۱۳۸۴ به استخدام شرکت آب منطقه ای همدان درآمدم.

### شروع به کار در شرکت آب منطقه ای همدان

آنچه که در نگاه اول در شهر همدان توجه انسان را جلب می کرد مردم با فرهنگ و با اخلاق و دارای خلق و خوی بسیار آرام و ادب و متانت فراوان بود که می شد پیشینه فرهنگی و کهن و تاریخی آن را رفتار و سلوک و بینش مردم آن یافت. سبک مدرن شهر در ترکیبی با بافت سنتی و قدیمی و کوچه باغهای برخی محلات زیبایی و آرامش خاصی را القا می کرد. آمدن از استان ایلام با مردم با صداقت و دلهای صاف و طبیعتی خشن تر که بی شک نشأت گرفته از موقعیت جغرافیایی کوهستانی و شرایط خاص آن می باشد به استان همدان با مردمی آرام مانند ورود از یک رودخانه خروشان به پهنه دریایی آرام می ماند.

همدان یکی از کلان شهرهای ایران در منطقه غربی و کوهستانی ایران و مرکز استان همدان می باشد. این شهر در دامنه کوه الوند و در بلندای ۱۷۴۱ متری از سطح دریا واقع شده است و از شهرهای سردسیر ایران به شمار میرود. همدان قدیمی ترین شهر ایران و از کهن ترین شهرهای جهان است از لحاظ جمعیتی سیزدهمین شهر پرجمعیت ایران به شمار می رود و براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ خورشیدی این شهرستان دارای جمعیت ۵۵۴،۴۰۶ نفر بوده است و در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ خورشیدی مهندس آلمانی کارل فریش طرحی مدرن را برای همدان طراحی کرد.

رودهای مهم این شهرستان می توان به الوسجرد، دره مراد بیک و عباس آباد اشاره کرد. آب شرب شهر همدان توسط دو سد اکباتان و سد آبشینه تامین می گردد

در آن زمان آقای مهندس عراقی مدیر کل شرکت و جناب آقای مهندس شاهرخ شکوهی مدیر مالی و پشتیبانی بودند که در بدو ورود پست مهندسی رودخانه را برای اینجانب تعیین نمودند و حدود دوماه در کنار آقایان مهندس جلالی و مهندس جلوخانی در این قسمت فعالیت داشتم و تجارب ارزنده ای در این زمینه آموختم و از خاطرات این دوران استقرار در خانه های بیلاقی سد اکباتان بود که با آقای مهندس جلوخانی و آقای مهندس قمری هم اتاق بودیم. بعد از مدت سپری شده در ابتدا قرار بود اینجانب جهت انجام فعالیت در سد اکباتان به همراه جناب آقای مهندس زنگنه مشغول فعالیت باشم و حتی آماده سپری کردن یکی از دوره آموزشی مرتبط با سد بودم که تصمیم به فرستادن اینجانب به امور آب شهرستان ملایر گرفته شد و اینجانب نیز چاره ای جز اطلاعات امر نداشته و جهت شروع فعالیتهای جدید خود و تجربه نو دیگری به این شهرستان مراجعه نمودم در آن زمان آقای مهندس هاشمی که اصالتا اهل استان خراسان بودند در کرسی ریاست این امور تکیه زده بودند و در

حال جابجایی و انتقال به استان و شهرستان خود بودند و قرار بر جایگزینی اینجانب برای ایشان بود. شخصیت مثبت و انسانی آقای مهندس هاشمی و جایگاه ایشان در قلوب همکاران ملایر از نکات جالب و قابل ستایش بود که در همین مدت کوتاه دو هفته ای آشنایی با ایشان تأثیری شگرفی بر روح و روان اینجانب گذاشت. دیدگان اشکبار همکاران به هنگام وداع ایشان با توجه به جو و فضای خشک حاکم بر ادارات از اتفاقاتی بود که به ندرت اتفاق می افتاد. بعد از اینکه ایشان از امور آب شهرستان ملایر مفارقت کردند با توجه به مشکلات و مسائل شخصی که اینجانب با آن درگیر بودم و تاب و توان و روحی را از اینجانب گرفته بود امکان قبول مسئولیت مدیریت شهرستان ملایر را نتوانستم قبول کنم و جناب آقای مهندس خوش لسان جهت تصدی این امر به امور منابع آب ملایر مراجعه و پست مدیریت را برعهده گرفتند. با توجه به نوع فعالیت‌های امور آب شهرستان ملایر بیشتر فعالیت‌های انجام گرفته در حیطه آبهای زیر زمینی و چاه‌های کشاورزی بود که تجربه جدیدی برای اینجانب بود که متفاوت از تجارب استان ایلام بود. مثل هر کارآموزی همراه همکارانی چون آقای مهندس شادفر و عزیز و خود آقای مهندس خوش لسان جهت آشنایی با نحوه استقرار دستگاه‌های حفاری، نظارت بر انجام عملیات حفاری، لوله گذارهای جداره چاه و گراول ریزی پشت لوله‌ها و موقیعت یابی محل چاه با مختصات ارائه شده در کروکی کارشناسی با دستگاه جی پی اس از جمله تجاربی بود که در این خصوص آموزش دیدم. چانه زنی‌های شرکت‌های حفاری جهت جابجایی چند متر محل استقرار دستگاه حفاری و یا ارباب رجوع از مسائلی بود که علیرغم ساده بودن در صورت عدم دقت به درگیریهایی زیادی مابین اهالی و کشاورزان می انجامید. گاهی پیش می آمد که کشاورزان محل استقرار دستگاه حفاری را با محصولات کشاورزی یا کاه و ... انباشته می کردند که محل استقرار را با فریب کارشناس جابجا نمایند که خود از مسائلی بود که می بایست به هیچ عنوان و با هر سرو صدا و درگیری نیز در برابر آن ایستاد. بررسی پرونده‌های چاه‌های کشاورزی جهت تمدید پروانه بهره برداری آنها از جمله اقدامات دیگری بود که در آنجا شروع به آموختن نمودیم. اندازه گیری آبدهی چاه‌ها و آزمایش پمپاژ چاه‌های جدید الحفر که با توجه به ممنوعیت دشت ملایر به دلیل نقص فنی یا کاهش آبدهی صورت گرفته بود از دیگر تجارب کاری بود که تا سالیان سال و همین اکنون نیز مورد استفاده اینجانب قرار می گیرد. موتورهای دیزلی که در دوره‌های مختلف (معمولا در سه دور مثلا ۱۰۰۰ و ۱۲۰۰ و ۱۵۰۰ و ...) بسته به آبدهی چاه جهت بیرون آوردن آب از اعماق زمین مورد استفاده قرار می گرفتند. همزمان با دستگاه آب سنج سطح ایستابی آب نیز اندازه گیری می گردید. دستگاه مذکور از یک جعبه چوبی از یک قرقره که حدود ۱۵۰ متر سیم به دور خود پیچیده شده داشت و یک عقربه الکتریکی که با باتری قلمی کار می کرد و دو سر سیم که تشکیل یک مدار الکتریکی ساده را می دادند به طوری که یکی از آنها به لوله جدار چاه (در چاه‌های دهانه گشاد که فاقد جدار فلزی بود چاله آب کوچکی حفر می شد و یک سر سیم را داخل آن گذاشته و با آب پر می کردند) و سیم دیگر که انتهای سیم پیچیده شده بود و داخل چاه فرو می رفت که بعد از برخورد با سطح ایستابی آب مدار الکتریکی وصل می شد و عقربه حرکت کرده و یا گاهی صدای بوقی نشان داده می شد و با قرائت اعداد روی سیم عمق سطح آب را اندازه گیری می کردیم. در هر دور آزمایش و پس از اینکه سطح ایستابی ثابت می شد و دبی آب نیز تغییر نمی کرد با افزایش دور به مرحله بعدی رفته و کار تکرار می شد که با توجه به شرایط آبدهی چاه زمان اندازه گیری و رسیدن به نقطه ثابت ایستابی متفاوت بود. لازم به توضیح است اندازه گیری دبی آب با یک قطعه وسیله فلزی که به دستگاه اندازه گیری "جت" معروف شده بود انجام می گرفت. وسیله ای که به شکل حرف انگلیسی "L" بوده که ضلع کوچک حدود ۳۲



سانتیمتر و ضلع بزرگتر حدود ۱۲۰ سانتیمتر بود. با اندازه گیری پرش آب و قطر دهانه لوله آبد و فرمولهای مربوطه و یا توسط جدول های محاسباتی که در این خصوص و با محاسبات تجربی به دست آمده بودند آبدهی چاه براساس لیتر در ثانیه محاسبه می گردید.

در این اداره بود که اولین بار با تجمعات گسترده کشاورزان روبرو شدم گاه با مینی بوس به اداره می آمدند و اعتراضات خود را با سرو صدا و تهدیداتی نشان می دادند. یکی از تجربیاتی که در این سال (۱۳۸۴) با آن مواجه شدیم بحث حفر چاههای آب شرب شهر ملایر بود که با اعتراض و مخالفت شدید روستاییان و کشاورزان مواجه شد در روزی که جناب آقای مهندس عراقی مدیر کل و نمایندگان از استانداری هم حضور داشتند متأسفانه تعداد زیادی از کشاورزان با چوب و بیل و ... به سمت ما حمله ور شدند به گونه ای که اتومبیل پاترول اداره را درب و داغان کردند شدت درگیری به حدی بود که با اعزام تعداد زیادی از پرسنل یگان ویژه از استان همدان و برخورد با برخی معترضان اوضاع تحت کنترل درآمد .

در اوایل سال ۱۳۸۵ و بعد از حدود یکسال از فعالیتیم در امور آب ملایر می گذشت که با مستقل شدن شرکت های تابعه آب منطقه ای غرب ، نیروگاه برقآبی گاماسیاب نیز به استان همدان واگذار شد و بحث مدیریت آن پیش آمد .

### **حضور در نیروگاه برقآبی گاماسیاب و اداره آب شهرستان نهاوند**

با پیشنهاد آقای مهندس عراقی اینجانب جهت سرپرستی نیروگاه برقآبی گاماسیاب شهرستان نهاوند به این شهرستان و فعالیت در امور آب نهاوند و همزمان نیروگاه گاماسیاب اعزام شدم . قبل از توضیحات تجارب کاری در نیروگاه به ذکر مشخصاتی از این شهرستان می پردازم .

شهرستان نهاوند واقع در جنوب استان همدان توسط رشته کوههای زاگرس احاطه شده است مرکز این شهرستان شهر نهاوند است که از شهرهای تاریخی ایران است . از چهار بخش اصلی به نامهای نهاوند (مرکزی ) ، خزل (فیروزان ) ، گیان و برزول (زرین دشت ) تشکیل شده است جمعیت آن براساس آمار سرشماری در سال ۹۵ حدود ۱۷۸،۷۸۷ نفر می باشد . مساحت آن حدود ۱۵۳۵ کیلومتر مربع و ارتفاع از سطح دریا آن حدود ۱۶۴۴ متر به صورت میانگین می باشد مختصات جغرافیایی آن ۳۴ درجه و یک دقیقه طول شرقی در جنوب غربی استان همدان و در فاصله ۱۰۵ کیلومتری از جنوب شهر همدان و در دشت سیلاخور شمالی واقع شده است . از شمال به شهرستان تویسرکان از شمال غرب و غرب به استان کرمانشاه از جنوب و جنوب شرق به استان لرستان و از شرق به شهرستان ملایر محدود می گردد . رودخانه حرم آباد ملایر و قلقل رود تویسرکان هر دو از شمال با برشی که در ارتفاعات شمالی نهاوند ایجاد کرده اند وارد دشت نهاوند می شوند و به رودخانه گاماسیاب می پیوندند . از لحاظ تاریخی قدمتی هزاران ساله دارد و پایتخت ایران در زمان یزدگرد سوم بوده است ، جنگ فتح الفتوح در نهاوند حادث شده است و در حمله اعراب به ایران اتفاق افتاده است

بگذریم ، سال ۱۳۸۵ بود در آن زمان آقای حاجی محمد شجاعیان مدیر وقت اداره آب شهرستان نهاوند بودند . با توجه به تجربیاتی که در امور آب شهرستان ملایر داشتم در زمینه استقرار و ترخیص دستگاههای حفاری ، آزمایش پمپاژ ، بازدید از

آبهای سطحی و چشمه های و غیره مشغول فعالیت شدم. ویژگی شهرستان نهاوند نسبت به ملایر و شاید نسبت به بقیه شهرستانهای استان همدان گستردگی منابع آب سطحی و سرابهای متعدد و رودخانه معروف گاماسیاب بود که بعنوان بزرگترین چشمه کشور از آن یاد می شد این رودخانه از چشمه های آهکی واقع در ۲۱ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان نهاوند و از دامنه ها شمالی ارتفاعات گرین به نام سراب گاماسیاب سرچشمه می گیرد این رودخانه در استان کرمانشاه شهرستان کنگاور با تلاقی رودخانه خرم رود و چشمه های پرآب خزل ودشت چم چمال جاری گشته سپس در نزدیکی بیستون با پیوستن رودخانه دینور و سراب بیستون امتداد و سپس با پیوستن به رودخانه قره سو رودخانه سیمره را تشکیل می دهد گاماسیاب در طول شهرستانهای استان لرستان و ایلام به نام سیمره خوانده می شود. رودخانه سیمره در نزدیکی گره بان تشکیل می گردد سیمره پس از خروج از استان کرمانشاه به استان ایلام سرازیر شده و در انتهای جنوب استان ایلام با پیوستن رودخانه کشکان در لرستان رودخانه کرخه را تشکیل داده که خود در نهایت به تالاب هورالعظیم منتهی می گردد. سرابهای معروف دیگر این شهرستان سراب گیان با طبیعت دل انگیزش و سراب فارسبان که زیباییهای خاص خود را دارد می باشند سرابهای متعدد دیگر و کوچکتری نیز هستند که کمتر شناخته شده هستند و در مجموع حدود سیزده سراب در این شهرستان وجود دارد. با توجه به اینکه بیشترین چالشهای امور آب شهرستان نهاوند با رودخانه گاماسیاب می باشد در این خصوص بیشترین توضیحات ارائه خواهد شد. چالشهای عمده آن هم بندهای منشعب از ابتدای رودخانه مذکور می باشد که مهمترین آن بند شعبان است که کانال معروف شعبان با گرفتاریهای خاص خودش از این بند شروع می شود که در زمان مناسب در خصوص آنها توضیحات لازم را ارائه خواهیم داد ولیکن با توجه به اینکه در این برهه زمانی تمرکز بیشتر اینجانب در نیروگاه گاماسیاب بوده به شرح و توضیحاتی در این خصوص خواهیم پرداخت.

### نیروگاه برقآبی گاماسیاب

این نیروگاه در رده نیروگاههای برقآبی مینی طبقه بندی می شود که توسط بند بتنی در سراب گاماسیاب و یک کانال بتنی به طول سه کیلومتر آب را به بالای نیروگاه و در ارتفاع قائم ۶۶ متری آن می رساند در انتهای کانال حوضچه آرامشی وجود دارد که در بدنه آن دو دریچه که برای انتقال آب از طریق لوله های فلزی (پنستاک) به قطر ۴۰ اینچ (حدود یک متر) و به طول هر یک ۲۸۰ متر به طرف محفظه حلزونی واقع در سالن توربین بکار می رود.

این نیروگاه از نوع "فرانسیس شفت افقی" می باشد که در سال ۱۳۷۰ شروع ساخت آن پایه گذاری گردید در زمره طرحهای جهاد سازندگی آن دوره می باشد. از این نوع نیروگاهها در گوشه و کنار کشور وجود دارد فلسفه آن استفاده از انرژی پاک (آب) جهت تولید برق است که از مزایای آن عدم آلوده سازی محیط زیست است در مقایسه با نیروگاههایی که با سوختهای فسیلی یا گازی کار می کنند. از دیگر کاربردهای این گونه نیروگاهها استفاده در مناطق صعب العبور و بویژه روستاهای دور افتاده می باشد که امکان برق رسانی به آنها با توجه به شرایط جغرافیایی آنها دشوار می باشد و با تامین برق محدوده و روستای مورد نظر استفاده از نعمت برق برای اهالی آن میسر می شود و معمولا با آموزش راه اندازی آن بهره برداری و نگهداری نیروگاه نیز توسط اهالی بومی منطقه انجام می پذیرد.

نیروگاه گاماسیاب از دو واحد جداگانه تشکیل شده است که هر واحد به صورت اسمی حدود ۱۴۰۰ کیلووات (یا ۱.۴ مگاوات) برق تولید و از طریق فیدرهای ورودی به پست برق نهاوند ۲ (قلعه قباد) در فاصله حدود هفت کیلومتری از نیروگاه به شبکه برق سراسری متصل می شود.

هر واحد نیروگاهی از قسمتهایی تشکیل شده است که به منظور آشنایی توضیح مختصری درباره آنها ارائه می گردد. ۱-محفظه حلرزونی شکل که توربین شفت افقی را در خود جای داده است ۲-ژنراتور، که بوسیله یک شفت فلزی به توربین متصل است ۳-دستگاه "گاورنر" که وظیفه تنظیم درجه های توربین و باز و بسته کردن جهت کاهش یا افزایش دور توربین بکار می رود ۴-تابلوهای اندازه گیری پارامترهای برق تولیدی ۵-سیستم روغن رسانی، که جهت روغن کاری توربین و شفت و یاتاقانهای مابین آنها و دیگر تجهیزات مکانیکی بکار می رود ۶-جرثقیل ۱۰ تن، برای جابجایی یا تعمیرات قطعات. کلیه این قطعات در سالنی معروف به سالن توربین واقع شده اند. علاوه بر سالن توربین، اتاق فرمان و دو سالن تابلوهای اندازه گیری و تبدیل و دژنکتور نیز وجود دارند که در اتاق فرمان د و تابلو مشابه به نامهای G1, G2 وجود دارند که درواقع تابلوهای ژنراتور هستند که جهت راه اندازی نیروگاه و یا کنترل برق تولیدی و خروجی ژنراتورها و خارج از مدار کردن آنها در مواقع اضطراری بکار می رود. سالن بعدی شامل تابلوهایی است که بیشتر درخصوص کنترل برق مستقیم بکار می روند و سالن آخری شامل شش تابلو جداگانه هست که هر یک کاربرد خاصی دارند که جهت جلوگیری از اطاله کلام از توضیحات بیشتر خودداری می گردد.

درخصوص فرآیند تولید برق به طور مختصر برای علاقه مندان توضیح ساده ای داده می شود. درواقع در این فرآیند انرژی مکانیکی به انرژی الکتریکی تبدیل می شود. انرژی جنبشی آب، توربین را با سرعت ۱۰۰۰ دور در دقیقه به حرکت در می آورد. توربین با یک محور فلزی (شفت) به دستگاه ژنراتور متصل می شود. دستگاه ژنراتور درواقع تشکیل شده است از دو قسمت سیم پیچی دوار که روی هم قرار گرفته اند. سیم پیچ ساکن را استاتور و سیم پیچ متحرک را روتور می نامند. در انتهای شفت آهنربای دائمی وجود دارد که سیم پیچی داخل خود را دارد و با دوران محور جریان برق اولیه ای براساس اصل طبیعی القا مغناطیسی بوجود می آورد که این برق به سیم پیچهای روتور متصل هست حرکت سیم پیچهای برق دار روتور نیروی مغناطیسی جدیدی بوجود می آورد که براساس همان اصل القای الکتریکی سبب بوجود آوردن انرژی الکتریکی در سیم پیچ استاتور می شود و به این وسیله برق مورد نظر تولید می شود. این برق تولیدی ولتاژی حدود ۶ کیلوولت دارد که توسط ترانسفورماتورهای افزایشنده به ۲۰ کیلوولت افزوده شده و سپس وارد برق شبکه سراسری می شود و به پست برق ۲۰/۶۳ کیلو ولت قلعه قباد (نهاوند ۲) متصل می شود.

برای تقریب به ذهن برق تولیدی این نیروگاه می توان مثالی زد که به طور متوسط می تواند حدود ۱۰ هزار لامپ ۱۰۰ وات را روشن کند. و درسالهایی که فعالیت داشتیم به طور متوسط ۵۰۰۰ مگاوات ساعت برق تولیدی آن درسال بود. برق تولیدی در ماهها و فصول مختلف با توجه به نوسانات رواناب رودخانه گاماسیاب و همچنین نیاز آبی کشاورزان متغیر بود. در سه ماه اول سال که رودخانه دارای دبی بیشتر بوده و کوههای گرین دارای ذخیره برف و آبی بیشتر می باشند می توانستیم در صورت سالم بودن قطعات از هر دو واحد به طور همزمان برق بدست بیاوریم ولی از اوایل تابستان به تدریج فقط یک واحد درمدار تولید

باقی می ماند و در اواخر تابستان و اوایل پاییز همان یک واحد نیز کاهش محسوسی داشت به طوری که در صورت کاهش نزولات آسمانی و با توجه به تنشهای آبی کشاورزان و به خصوص کانال شعبان ، گاهای نیروگاه چند روزی چند هفته کلا از مدار تولید خاج می گردید .

در مدت چند سالی که در نیروگاه گاماسیاب حضور داشتم تجارب گوناگونی بدست آوردم ، و با مشکلات خاصی روبرو شدیم . بجز خودم شش نفر اپراتور در نیروگاه مشغول به فعالیت بودند که به صورت شیفتی مشغول به فعالیت بودند . یکی از چالشهای نیروگاه واحد یک آن بود که بنا بر گفته همکاران در سالهای اولیه شروع به کار آن و قبل تحویل آن به شرکت آب منطقه ای همدان به دلیل قطع ناگهانی برق و عدم روغن رسانی به موقع شفت واحد یکم و یاتاقان متعلق به آن دچار آسیب شدید گردید که عیوب مربوطه به دوره ما هم به ارث رسید که در چند نوبت نسبت به بکارگیری پیمانکار جهت تعمیر آن اقدام کردیم . اگر اشتباه نکنم سه پیمانکار در این خصوص استفاده گردید ، شرکت نصب و تعمیرات واقع در کرج ، شرکت تعمیرات نیروگاهی خوزستان و یک شرکت دیگر در شهرک صنعتی هشتگرد کرج که الان نام آن را به خاطر نمی آورم . در یک نوبت کل شفت و سیم پیچهای استاتور و روتور متعلق به آن را به کارگاه مربوطه در کرج منتقل کردیم و کلا شفت نویی بازسازی شد و تا حدود زیادی ایرادات رفع شد . بابت ریزی یاتاقانهای شفت از جمله مواردی بود که هر از چند گاهی و در مواقع "آور هال " کردن نیروگاه انجام می گرفت . (اصطلاح overhaul به معنای تعمیرات اساسی و دوره ای نیروگاه می باشد ) نیروگاه برق آبی نیز در مقیاس بزرگتر چیزی شبیه اتومبیل یا خودروی شخصی می باشد و هر چند یک با رنیز به بررسی کلیه قطعات مکانیکی ، الکتریکی ، ... می باشد که در صورت نیاز رفع ایراد یا تعویض شوند . روغنهای هیدرولیک و ترانسفورماتور می بایست هر چند وقت یکبار تعویض شوند . یکی از مشکلات ما در آن دوره هزینه بالای تعمیر و نگهداری نیروگاه و بازرسی های دوره ای آن بود که در صورت عدم انجام به موقع مشکلات بعدی و ثانوی و هزینه های هنگفتی را بر شرکت متحمل می گرداند . به خصوص در ایامی که با تحریمهای بین المللی ایران مصادف گشت برای تهیه برخی قطعات الکتریکی (مانند دیوهای یکسو کننده ) که در بازار تهران نیز یافت نمی شد مجبور به استفاده از پیمانکار جهت تهیه آنها با قیمت چند برابر از بازار خارج از کشور شدیم . نیروگاه برقایی گاماسیاب می توان گفت وصله ناجوری در شرکت آب منطقه ای همدان بود . کل سیستم شرکت آب منطقه ای حول و حوش منابع آب زیر زمینی و سطحی و سد و کانالهای آبیاری دور می زد و اکثر کارشناسان فنی و نیروهای متخصص بکار گرفته شده در شرکت دارای تخصصهای مرتبط با زمین شناسی یا عمران یا منابع آب زیر زمینی و ... بودند و نبود واحد مستقل تعریف شده ای در شرکت با نیروهای مجرب و تحصیلات مرتبط ( برق و مکانیک ) بر معضلات موجود افزوده بود . این غربت سبب شده بود که مسئولان شرکت نیز به دلیل عدم آشنایی با تجهیزات برق و مکانیکی رغبت زیادی جهت نگهداری آن نشان ندهند شاید بهتر بود این نیروگاه به شرکت توزیع برق واگذار می گردید . برخی اوقات جهت بررسی اینکه واقعا پیمانکار در تشخیص عیوب فنی و هزینه تحمیلی به شرکت دارای صداقت می باشد یا خیر مجبور به بکارگیری نیروهای مشاور جهت کنترل نظرات پیمانکار بودیم که البته این خود ریسک جداگانه ای بود و چاره ای جز این هم نبود یا از همان تجارب اپراتورهای نیروگاه بهره مند می شدیم و البته با گذشت زمان و آشنایی با برخی نیروگاههای برقایی و ارتباطاتی که از طریق برگزاری مجمعیهای سالانه نیروگاه برگزار می گردید با تنی چند از پیمانکاران آشنایی پیدا کردیم . در اینجا لازم است توضیحاتی در خصوص ارتباطات کاری نیروگاه ارائه دهم . نیروگاه مذکور با توجه به

حساسیت موضوع تولید برق در کشور به طور مستقیم زیر نظر معاونت نیروگاه‌های برق‌آبی در مدیریت منابع آب ایران واقع در تهران کنترل می‌شد. گزارشات روزانه و هفتگی در ابتدا از طریق فاکس و سپس اینترنت برای تهران و همکاری با نام آقای مهندس جاوید فرستاده می‌شدند. هرگونه خاموشی نیروگاه و نقص فنی و ... با توضیحات کامل می‌بایست فرستاده می‌شد. جناب آقای مهندس بهادری و مهندس استیری از اشخاص رده بالای این معاونت بودند که دائم با ایشان در ارتباط بودیم. تقریباً هر سال مجمع سالانه نیروگاه‌های برق‌آبی کشور هربار در یک استان که دارای نیروگاه‌های بزرگتر بودند تشکیل می‌شد و تجارب بسیار ارزنده‌ای از این دوره‌ها بدست می‌آمد آشنا شدن با مشکلات مشابه و راهکارهای ارائه شده توسط دیگر نیروگاه‌ها در افزایش دید و بصیرت کاری ما موثر بود. از جمله مجمع‌های سالانه‌ای که شرکت کردم می‌توان به سد و نیروگاه برق‌آبی زاینده رود، سد دز، سد کارون ۴، سد سفید رود رشت، سد سیاه بیشه چالوس، اشاره کرد. در این دوره همی‌ها مهندسین مجرب تجارب یا مقالات یا پژوهش‌های خود را طی کنفرانس‌هایی ارائه می‌دادند و گاهی از کارشناسان کشورهای دیگر نیز دعوت به عمل می‌آمد.

همزمان با حضورم در نیروگاه دوره‌های آموزشی متناسب با نیروگاه برق‌آبی نیز تشکیل می‌شد مانند دوره‌های آموزشی توربین، گاورنر، ... که خودش در ارائه برخی اطلاعات و افزایش سطح معلومات نیروگاهی موثر بود. برخی دوره‌ها در دانشگاه تهران برگزار می‌شد و از اساتید با سابقه این دانشگاه نیز دعوت به عمل می‌آمد که تجربه خاص خودش را داشت و یا کارگاه‌های فنی که از نزدیک با قطعات مکانیکی و برق و نحوه کار آنها و اصول پایه آنها آشنا می‌شدیم. خود این دوره‌ها به ایجاد ارتباطات و دوستی‌هایی می‌انجامید که برخی تا الان نیز ادامه دارند.

بحث فروش برق نیروگاه نیز دوره‌های متفاوتی داشت. قبل از واگذاری نیروگاه به شرکت آب منطقه‌ای همدان، این نیروگاه در ابتدا توسط جهاد سازندگی و توسط پیمانکاران مجارستانی ساخته شد. در دوره‌ای تحت نظر شرکت آب و نیروی ایران و زیر نظر سد مسجد سلیمان بود و سپس به آب غرب و بعد آن به همدان واگذار گردید. در این دوره ابتدا قرارداد فروش برق با شرکت برق باختر واقع در استان مرکزی انجام می‌گرفت. قرائت‌های ماهیانه به تایید کارشناس این شرکت و ما می‌رسید و قرار داد مالی نیز در شرکت آب منطقه‌ای همدان بسته می‌شد. سپس قرار داد مستقیماً با شرکت توزیع برق همدان انجام گرفت. یکی از چالش‌ها و درگیری‌های این دوره تعرفه فروش برق بود که همواره مورد منازعه هر دو شرکت بود. بحث فروش برق با تعرفه آزاد شرکت را وسوسه به انجام این امر کرد در زمان مدیرعاملی آقای مهندس عزالدین عزمی برای اینکار صورت گرفت لذا لازم شد در ابتدا کنتورهای دارای قابلیت قرائت از راه دور (سیم کارت دار) تهیه گردد کنتورهای مورد تایید از برق باختر خریداری شد و سپس جهت عقد قرار داد با شرکت مدیریت برق تهران وارد معامله شدیم. تعرفه به طرز قابل توجهی افزایش یافت و درآمد خوبی به نسبت آن سالها عاید شرکت می‌شد. بعد از چند سال بحث واگذاری نیروگاه به بخش خصوصی مطرح شد که نیروگاه را نهایتاً به شرکت کلید نیرو نهادند (برادران سیاوشی در نهادند) واگذار کردیم. این دوره، با هر چند کوتاه در بهره‌برداری با چالش‌های فراوان روبرو شد و تاکنون نیز درگیر این مساله می‌باشیم و نیروگاه با توجه به وضعیت نامطلوب فنی بوجود آمده در آن و تخریب‌های چند باره کانال آبرسانی نیروگاه که عمدتاً به دلیل فعالیت‌های ادوات مکانیکی در کارگاه اجرای سد گرین و رانش زمین زیر کانال بوجود آمده بود و مسائل دیگر تا همین الان نیز از مدار تولید برای مدت بیش از دو سال خارج شده است.

در صورتی که قصد راه اندازی نیروگاه را داشته باشیم می بایست نکاتی نیز در این میان در نظر گرفت مهمترین مساله بحث نظارت مستمر بر تجهیزات مکانیکی و برقی و تاسیسات آبی می باشد چه نیروگاه تحویل نیروهای خودمان باشد یا اینکه تحویل بخشی خصوصی گردد :

۱- بند بتنی کانال نیروگاه گاماسیاب که در سرچشمه گاماسیاب ساخته شده است، این بند شامل ۴ دریچه می باشد که علیرغم قفل و زنجیر هایی که به آن متصل بوده است چندین بار شکسته یا بریده شده است و آخرین بار نیز در سال جاری (۱۴۰۱) بوده که در درگیریهای تقسیم و توزیع انهار منشعب از نیروگاه با تجمع بر سر بند نیروگاه اقدام به شکستن قفلها و سپس بریدن میله های دریچه های کشویی نمودند. لذا پیشنهاد می شود در وهله اول نسبت به ساخت حفاظ فلزی (نه توری که قابل بردن باشد) به صورت کاملا بسته (دارای سقف فلزی و اتاقک که قابل نفوذ نباشد) اقدام نمود و از قفلهای ضد برش و ضد ضربه استفاده نمود که احتمال آسیب دیدگی و تخریب آنها به حداقل ممکن برسد. زیرا در صورت دستکاری دریچه ها به خصوص اگر به صورت غافلگیرانه انجام شود علاوه بر احتمال آسیب رساندن به تجهیزات نیروگاهی احتمال وارد آمدن خسارات هنگفت مالی به پرورش ماهی های پایین دست نیروگاه نیز بسیار زیاد است، با توجه به تغییر آبدهی ناگهانی رودخانه و گل آلود شدن آن که باعث مرگ و میر بچه ماهی ها خواهد شد یا حداقل بهانه ای در دست صاحبان پرورش ماهی خواهد داد که اقامه دعوی کنند.

۲- با توجه به ساخت وسازه های انجام شده توسط پیمانکاران سد گرین که در حوالی کانال آبرسانی نیروگاه انجام می گردد و با توجه به سابقه چندین بار تخریب کانال نیروگاه به دلیل فعالیتهای ادوات و ماشین آلات سنگین در حال کار سد گرین پیشنهاد می گردد مهندسین ناظر و مدیر پروژه های طرح مذکور اطلاع رسانی های لازم را به عوامل اجرایی سد گرین انجام دهند و در صورت عدم دقت با نظارت کافی مانع از تکرار اتفاقات مشابه شوند که هم از جلوگیری به حقوق دولتی و بیت المال جلوگیری شود و هم در مواقعی که نیاز به استفاده از کانال مذکور میباشد (مانند راه اندازی نیروگاه یا تقسیم و توزیع آب انهار منشعب از گاماسیاب) سبب اتلاق وقت و هزینه و وارد آمدن خسارات جانبی مضاعف نشود.

۳- در صورت واگذاری نیروگاه به بخش خصوصی با تجربه چند سال گذشته، حتما نظارت کافی و مستمر بر بهره برداران یا مستأجران نیروگاه انجام پذیرد. متأسفانه اجاره کنندگان اخیر نیروگاه با استناد به مواد قرار داد فی مابین با شرکت آب منطقه ای از هرگونه نظارت پرسنل شرکت و منابع آب نهبوند خودداری می کردند و حتی در یک نوبت که خود نیز شاهد و حاضر بودم و پرسنل از شرکت آب منطقه ای نیز آمده بودند حتی اجازه ورود به محوطه نیروگاه را ندادند که برای شرکت آب منطقه ای نمود و بازتاب بسیار بد و تحقیر کننده ای داشت. این باعث شده بود که ایشان اقدام به فعالیتهایی در نیروگاه نمایند که خلاف مواد قانونی قراردادنامه بود که باز خورد بدی در مراجع قضایی و اداری و مسئولین بالادستی شهرستان نهبوند داشت و باز هم به ضرر شرکت آب منطقه ای همدان تمام شد. پیشنهاد می گردد در صورت عقد قرار داد مجدد به صورت صریح در متن موافقتنامه قید شود که سرکشی و نظارت پرسنل شرکت آب منطقه ای همدان از نیروگاه ضروری و اجتناب ناپذیر هست تا از آسیب به تجهیزات نیروگاهی جلوگیری به عمل آید و همچنین از انجام اعمال خلاف قانون نیز پیشگیری شود.

۴- متاسفانه اجاره کنندگان نیروگاه ، بدون هماهنگی با شرکت آب منطقه ای ، به بهانه تعمیرات اساسی تجهیزات برقی و مکانیکی اقدام به عقد قرار داد جداگانه با پیمانکاران مرتبط نمودند و باخرج تراشیهای هنگفت شرکت را در عمل انجام شده قرار می دادند که این از ضعف مواد قرار داد می باشد که باید به صراحت قید شود پیمانکار در صورت مشاهده هرگونه ایراد فنی می بایست در ابتدا به شرکت آب منطقه ای همدان اطلاع رسانی شود تا صحت و سقم و ضرورت آن تشخیص داده شود و جلوی هرگونه سو استفاده ای گرفته شود .

۵- با توجه به آشنایی اپراتورهای سابق نیروگاه نسبت به بقیه پرسنل شرکت آب منطقه ای همدان و تجربه چندین ساله ایشان در امور نیروگاهی ، حتما در انجام موارد فنی و کارشناسی یا نکات فوق الاشعار از ایشان نظر خواهی شود که از تکرار تجربه های ناخوشایند و خسارات مالی و معنوی جلوگیری شود . اعتماد به پرسنل با تجربه همراه با نظارت معقول و منطقی بدون تردید مزایا و منفعت بیشتری برای شرکت خواهد داشت تا عدم اهمیت و بی اعتمادی به آنان .

۶- با توجه به چندین بار تحرکات کشاورزان و همچنین دوربودن محل نیروگاه از مناطق مسکونی و لزوم رصد و پایش هر چه بیشتر ودقیقت محوطه نیروگاه به منظور حفظ جان و امنیت پرسنل در در جه اول و همچنین حفظ اموال دولتی پیشنهاد می گردد نسبت به رفع عیوب دوربینهای مدار بسته و ارتقا و بالابردن کیفیت آنها حساسیت لازم اعمال شود .

\*درکنار سرپرستی نیروگاه اینجانب همزمان در مدیریت منابع آب شهرستان نهاوند نیز مشغول فعالیت بوم هم در حوزه آب زیر زمینی و هم در حوزه آب سطحی به ارائه خدمات مشغول بودم. استقرار و تحویل دستگاه حفاری ، آزمایش پمپاژ ، و دیگر امور مرتبط با چاهها و همچنین بازدید از چشمه ها و رودخانه ها و اندازه گیری دبی آنها ، و نیز نظارت بر فعالیت پیمانکاران به منظور ترمیم و نگهداری و لایروبی کانال شعبان ، بازدید از پرورش ماهیها و تهیه گزارشات مربوطه و .. با توجه به محدودیت نیرو در منابع آب شهرستانها در اکثر فعالیتها حضور داشتم ، ... جهت جلوگیری از اطاله کلام از شرح و تفصیل موارد مذکور خودداری می کنم و به ادامه فعالیت در شهرستان ملایر می پردازم .

### **بازگشت مجدد به منابع آب شهرستان ملایر**

تقریباً خرداد ماه سال ۱۳۹۴ خورشیدی بود که بنا به دلایلی مجدداً اینجانب از مدیریت منابع آب شهرستان نهاوند به منابع آب شهرستان ملایر منتقل شدم . با توجه به عدم وجود نیروی جایگزین در تمام مدت اشتغال اینجانب در شهرستان ملایر که حدود ۴ سال به طول انجامید ، همچنان سرپرستی نیروگاه گاماسیاب را نیز برعهده اینجانب گذاشتند که این خود باعث فشار کاری مضاعف و عدم تمرکز کافی در امور محوله بود . حساسیت مسائل نیروگاهی که گاه با شکایتهای انجام شده و دستورات تعقیب قضایی نیز همراه بود استرس و تنش وارده را دو چندان می کرد لذا بعنوان یک تجربه کاری پیشنهاد می گردد در صورتی که همکاری به منطقه دیگری منتقل می شود حتماً در اسرع وقت برایشان جانشین انتخاب گردد که هم از وارد آمدن لطامات روحی و جسمی به آنها جلوگیری شود و هم کیفیت کار در امور محوله افزایش پیدا کند . قبلاً به توضیحاتی در خصوص شهرستان ملایر می پردازم .

ملایر شهری کوهستانی است و درمیان رشته کوه زاگرس قرار گرفته است. بافت اصلی شهر در جلگه ای مسطح ساخته شده و آب وهوایی معتدل کوهستانی دارد. از دیدگاه زمین شناسی ملایر در زون سنندج - سیرجان قرار دارد و کمر بند ملایر - اصفهان به عنوان یکی از گستره های معدنی سرب و روی ایران معرفی شده است. براساس اظهار سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور کمر بند ملایر- اصفهان مهمترین محور روی و سرب ایران است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۷۲۵ متر می باشد.

دشت ملایر در ۷۵ کیلومتری شهرستان همدان قرار گرفته است. رودخانه حرم آباد بعنوان مهمترین رودخانه دشت محسوب می شود و عمده نیاز آبی کشاورزی این منطقه از این رودخانه تامین می شود.

رودخانه حرم آباد رودخانه ای فصلی است که سرشاخه شرقی حوضه گاماسیاب را تشکیل می دهد حوضه آبریز رودخانه حرم آباد که نام دیگر آن رودخانه کلان است وسعتی نزدیک به هزار کیلومترمربع دارد این رودخانه پس از پیوستن به رودخانه های نهاوند و توپسرکان و خرم رود ، رودخانه گاماسیاب را تشکیل می دهد .

سد کلان ملایر در ۳۰ کیلومتری جنوب شهر ملایر قرار دارد نام سد از رودخانه کلان و روستای کلان که در بالادست سد و در استان لرستان قرار گرفته است نشأت یافته است. کاربری اصلی این سد با حجم مخزن ۴۵ میلیون مترمکعب تامین آب آشامیدنی شهر ملایر و تامین آب کشاورزی اراضی روستاهای شهرستان ملایر می باشد کنترل طغیان و جلوگیری از خسارات ناشی از سیل نیز از کاربردهای دیگر آن است .

نوع کار اینجانب تا قبل از سال ۹۴ و فعالیت مجدد در منابع آب شهرستان ملایر بیشتر حالت اجرایی و صحرایی و یا سرپرستی (نیروگاه گاماسیاب ) بود اما در ملایر با توجه به نیاز مدیریت این شهرستان اینجانب وارد فاز جدید ی از کارشدم و درقسمت امور مشترکین این شهرستان مشغول به فعالیت شدم. لازم به توضیح است از سال ۹۲ و تقریبا باحضور مدیر عامل جدید جناب آقای مهندس عزالدین و بحث درآمد زایی و تجربیات ایشان در شرکت آب و فاضلاب همدان نوع کارهای درآمدی جهش خاصی نمود . یکی از اقدامات ایشان لزوم صدور قبوض حق النظاره صنعتی به صورت منظم بود که تا قبل ازایشان مسبوق به سابقه نبود. کار در امور مشترکین نیازمند بررسی دقیق پرونده ها و صرف وقت و دقت لازم در این خصوص بود مخصوصا با حجم بالای دستورالعمها ی صادره در صورت هرگونه اشتباهی تاوان سنگینی در زمان و همچنین پاسخگویی به مراجع بالادستی و نظارتی در برمی داشت.

به نوعی تا آن موقع پرونده ها و بحث مالی آنها بسیار پراکنده بود یکی از کارهایی که در سطح شرکت می بایست انجام بگیرد مخصوصا در شهرستان ملایر که دومین شهر استان و حجم پرونده های صنعتی بالایی داشت لزوم بررسی تک به تک پرونده های صنعتی و وارد کردن اطلاعات موردنیاز آنها درجدول اکسل بود. تعریف نوع صنعت و زیرگروههای آن و لزوم ثبت آنها در سامانه ساماب وقت وانرژی بالایی می گرفت به طوری که اینجانب روزانه به طور متوسط حدود ۱۰ الی ۱۵ پرونده را با خود به منزل می بردم تا بتوانم در زمان کوتاهتری به نتیجه برسیم. سقف برنامه ریزی شده جهت کسب درآمد برای هر شهرستان از مواردی بود که استرس و تنش خاص خود را به دنبال داشت تا قبل از آن همچنین وضعیتی و اجباری



درخصوص درآمد زایی نبود و یکی از راههای درآمدزایی کسب جریمه های اضافه برداشت چاههای دارای تخلیه بیش از پروانه مجاز آنها بود که چون با دستور العملها و شیوه های جدید اقدام می شد و به نوعی به صورت سعی و خطا رو به جلو می رفتیم درگیرها و تنشهای خاص خود را با اربابان رجوع و همچنین مقامات بالادستی شرکت بوجود می آورد. به طوری که چندین بار طرح و روشهای گوناگون از طرف امورمشترکین ستاد برای شهرستان تعریف می شد و هر بار مجبور به اصلاح و اقدام مجدد می شدیم. با توجه به اینکه در محاسبه خسارت به آبخوان چندین نفر درگیر بودند با یک پیشنهاد خوب، فرمهای مصوبی درست شد که از تکنسین بازدید کننده از محل چاه تا مدیر شهرستان تا کارشناس محاسبه کننده حجم اضافه برداشت و کارشناس امورمشترکین که نهایتا مبحث ریالی را تایید میکرد می بایست همگی آنها امضا می کردند و این مزیت را داشت که مسئولیتها به تفکیک بین همکاران مختلف تقسیم می شد و بار اشتباهات دیگران فقط برعهده امور مشترکین قرار نمی گرفت. محاسبات ابتدا به صورت دستی تهیه می شدند ولی نهایتا امکان بارگذاری و محاسبات در سامانه ساماب فراهم گردید. چالشهای دیگری که در این قسمت درگیر آن بودیم بحث هزینه های جبرانی، ماده ۱۰ و حق اشتراک بود که مانند مبحث اضافه برداشت تا به قوام رسیدن تعیین تکلیف نهایی نحوه محاسبات زمان طولانی را طی نمود. ارباب رجوعان که تا آن موقع با این مباحث مالی از طرف شرکت آب منطقه ای روبرو نبودند گاهی با مقاومت در پرداخت هزینه های مربوطه عکس العمل نشان می دادند. یکی از مشکلاتی که بعنوان تجربه شخصی در این مدت و مشغولیتی در امور مشترکین داشتم لزوم تفکیک و تقسیم مسئولیت بین همکاران بود. عدم تقسیم عادلانه کارها مابین همکاران امور مشترکین و نبود همدلی سبب بروز تنشهای روانی و عملکرد نامطلوب و خروجی کم بازده کارها می گردید که به نظرم در این قسمت مدیر شهرستان می بایست با وقت زمان و تشکیل جلسات با ایشان و بدون نظر خاصی جهت حل مشکلات اقدام و تصمیم نهایی را بگیرد در غیر این صورت تبعات آن هم امور آب شهرستان و هم شرکت و نیز همکاران را به شدت متاثر خواهد کرد و تاثیر سوخواهد گذاشت. و اگر در این موقعیت مدیریت شهرستان نه تنها ورود موثر نکند و حتی برعکس جهت پیشرفت منافع شخصی وارد عمل شود و از موضع بالادستی و به نوعی می توان گفت از موضع قدرت و زور اقدام کند نتیجه بسیار هولناکتر خواهد شد. از تجارب تلخ این دوران برخی ناهماهنگی ها و تصمیمات نادرست و اعمال فشارهای نابجا بود که نهایتا با ورود بحثهای نظارتی و حراستی به اداره سبب از هم پاشیدن روال کاری و صدمات روحی و جسمی به همکاران بود. توجه بیش از حد به درآمد زایی آنها به هر قیمتی از دلایل بروز چنین وقایعی بود بهتر آنست که قانون گرایی در اولویت کارها و خواسته ها از همکاران قرار گیرد نه کسب درآمد بیشتر آنها به هر قیمتی. در صورتی که اولویت کاری درآمد زایی باشد ولی به شرط رعایت قوانین و دستورالعملها در این صورت امنیت روانی کارمندی که قصد انجام کار با صداقت را دارند تامین خواهد شد و سبب شکوفا شدن استعدادها و بروز خلاقیتها و نوآوری و ارائه راهکارها و طرحهای جدید از طرف پرسنل خواهد شد و همچنین تا حد زیادی راههای فساد اداری را مسدود خواهد کرد در غیر این صورت و هرگونه سو استفاده از مقام و عدم اطلاع کارمندان زیر دست از برخی دستورالعملها جهت پیشبرد اهداف شخصی نتیجه ای معکوس و گاهی ویرانگر خواهد داشت اگر چه در کوتاه مدت ممکن است سبب برخی پیشرفتها باشد ولی بدون تردید و با توجه به تجربیات کسب شده در میان مدت و بلند مدت جز خسران چیزی نصیب شرکت و کارمندان آن نخواهد کرد لذا شفاف سازی و همدلی و همفکری مابین همکاران بالادست و پایین دست در صورت امکان این را داشته باشد که به منصف ظهور برسد نتایج شگرفی بوجود خواهد آورد اگر چه متاسفانه تجربه

نشان داده است به ندرت همچنین همدلی هایی در محیطهای اداری شکل خواهد گرفت با توجه به اینکه بسیاری از عوامل بیرونی و خارج از اداره و همچنین شرایط کلی جامعه نیز تاثیرات عمده ای در این روابط خواهند گذاشت.

از دیگر تجربیان این دوره همزمان شدن با تشکیل دوره های آشنایی باتخلفات اداری بود که قبل آن سابقه نداشت و خود سبب آشنایی همکاران با حقوق خود می شد و نیز از اشتباهاتی که ممکن بود ناخواسته بوجود آید جلوگیری می نمود .

فعالیت اینجانب با تمام پستی و بلندپهائش و با خاطرات خوب و تلخش بعد از سپری شدن حدود ۴ سال به سال ۱۳۹۸ منتهی شد .با توجه به برخی مشکلات شخصی و از طرفی بازنشست شدن مدیر منابع آب شهرستان نهاوند جناب آقای مهندس مالمیرو پیشنهاد مسئولان محترم شرکت جهت تصدی پست مدیریت این شهرستان به اینجانب ، مجددا فعالیت کاری ام وارد فاز جدید و البته بسیار دشوارتر نسبت به سالهای گذشته شد.اگرچه با توجه به روحیات شخصی خود بارها از تصدی پست مدیریت امتناع ورزیده بودم (مانند سال ۸۴ ملایر و ۸۷ نهاوند بعد از بازنشستگی آقای مهندس شجاعیان ) و در سال ۹۷ و ابتدای ۹۸ نیز مجددا مخالفت خود را اعلام کردم ولی برخی شرایط بوجود آمده و برآیند تمام اتفاقات که می توان از آن به تقدیر و البته خواست و مشیت خداوند یاد کرد باعث شد که اینجانب با پست مدیریت منابع آب شهرستان نهاوند در سال ۹۸ موافقت نمایم .که شرح آن را به صورت مبسوط در ذیل خواهم آورد.

### **شروع فعالیت مجدد در منابع آب شهرستان نهاوند**

فعالیت اینجانب در منابع آب شهرستان نهاوند از اواسط اردیبهشت ماه سال ۹۸ آغاز گردید .این از چند جهت تجربه سنگینی بود اولاً همزمان شده بود با موضوع سیلابهای فروردین ماه ۹۸ که باعث وارد آمدن خسارات مالی فراوان به اراضی کشاورزی و گاه دامهای ایشان شده بود (خداراشکر خسارت جانی در بر نداشت ) و باب جدیدی از مسؤلیتهای جدید برای ادارات منابع آب شهرستان که به وظایف قبلی اضافه شده بود و پیش بینیهایی که تکرار وقوع سیلاب را داشتند و لزوم برنامه ریزی و تامین اعتبارات و نهایتاً اقدامات عاجل برای لایروبی مسیلهها و رودخانه ها ی دشت نهاوند که در سطح وسیعی نسبت به دیگر شهرستانها بود .از طرفی تجربه جدید مدیریت منابع آب شهرستان ، که قبلاً همچنین تجربه ای نداشتم آنها هم در موقعیت زمانی خاصی که اینجانب وارد عمل شدم و با توجه به بافت اجتماعی خاص شهرستان نهاوند این تنشها مضاعف شده بود .شهرستان نهاوند با توجه به سرابها و آب های سطحی فراوانی که داشت نسبت به بیشتر شهرستانهای استان درگیریهایی پیچیده ای دارد و علاوه بر منابع آب زیر زمینی و چاههای کشاورزی و صنعتی که بیشترین تمرکز شهرستانها بر روی آنها می باشد یک حوزه فعالیت جداگانه ای با درگیریهایی فراوان خود دارد که درجای خود مفصلاً درباره آن توضیح خواهم داد .

### **چالش با مسئولان بالادستی شهرستان**

از زمان تصدی پست مدیریت منابع آب شهرستان نهاوند مخصوصاً در آن شرایط بحرانی که اینجانب وارد عرصه عمل شدم (وقوع سیلاب و ...) این حس به انسان القا می شد که یک مرتبه درون دریای متلاطمی

پرتاب شده باشم ، گویی تازه استخدام شده بودم و با اینکه چندین سال تجربه کاری داشتم و لی تمام موضوعات از زاویه جدیدی رخ می نمود و تازگی داشتند و در وهله نخست با یاری خداوند و عنایت او و سپس پشتیبانی و دلسوزی همکاران و مسئولان شرکت آب منطقه ای و دوستان و منابع آب شهرستان نهاوند توانستیم بحرانها را یکی از پس از دیگری پشت سر بگذاریم .

یکی از چالشها نوع ارتباط کاری با فرماندار شهرستان نهاوند بود. احساس دوگانه ای که در برخورد با فرمانداری داشتیم که از یک طرف بعنوان بالاترین مقام اداری شهرستان که تمام روسا می بایست تابع دستورات ایشان باشند و از طرفی خواسته هایی که با قوانین و دستورالعملهای شرکت آب منطقه ای همدان و وزارت نیرو در تعارض بود. لذا بعنوان یک تجربه پیشنهاد می گردد قبل از اینکه شخصی را مسئول پست مدیریت شهرستانی نمایند مدتی در کنار مدیر قبلی جهت آشنایی با فوت و فنهای مدیریتی مشغول به فعالیت گردد و حتی جلسات توجیهی جهت آشنایی و طرز مقابله و برخورد با خواسته های نامعقول مقامات بالادستی شهرستان تشکیل دهند. این جانب در مقابل برخی خواسته های فرمانداری که با قوانین شرکت تعارض داشت چندین بار درگیری داشتم که حتی منتج به مکاتبه های مستقیم ایشان با مقامات بالادستی خود یا شرکت آب منطقه ای شد که اگر تجربه امروزی را داشتم همان مخالفت را با سیاست و روش بهتری در پیش می گرفتم. نمایندگان و دیگر روسای شهرستانی نیز هریک به نوعی در پی تحمیل خواسته های خود می باشند و بزرگترین اهرم دست ایشان نیز تهدیدهایی می باشد مبنی بر ، برکناری از پست و منصب مدیریتی. لذا به نظر اینجانب حتی لزوم تشکیل جلساتی به صورت محرمانه برای مدیران و تحلیل روانشناختی و آموزشهای روانشناسی برای مدیران می باشد که چگونه مسئولان شهرستانی و در چه مواقعی اقدام به تحمیل خواسته های غیرقانونی خود می نمایند. به نظر این برای یک مدیری بسیار مهم و حیاتی می باشد ، یک مدیر حتی اگر بسیار وارسته و وابسته به پست و مقام نیز نباشد ممکن است در دامهای تهدیدات آنها قرار گیرد. همچنین لزوم تشکیل جلساتی جهت آشنایی با حیطه وظایف و اختیارات مقامات بالادستی ، مانند فرمانداری ، نماینده ، دادستان ، اطلاعات ، نیروی انتظامی و ... که هریک به نوعی می توانند مدیران را تحت فشار روانی قرار دهند .

همانطور که ذکر شد حتی دادستانی هم با تهدیدات خود (مانند اعلام جرم، ترک فعل و ...) مدیران را تحت فشار قرار می دهند ، که اکثر تهدیدات ، نوعی بلوف همراه با فشار ذهنی و روانی می باشند که متأسفانه در این خصوص مدیران را آگاهی نمی دهند. بسیاری از ارباب رجوع و به خصوص کسانی که دارای قدرتهای اقتصادی در شهرستان هستند یا دارای فعالیتهای سیاسی بوده و روابطی با نمایندگان شهرستان یا روسای ادارات دارند نیز برای تحمیل خواسته های غیر قانونی خود متوسل به نام و موقعیت نمایندگان یا فرمانداران و ... می شوند. که اینها همه با یک آموزش ساده به مدیران قابل حل خواهد شد. اگر قصد ماندگاری مدیری در شهرستان وجود دارد بزرگترین عامل حمایت مقامات بالادست در شرکت آب منطقه ای می باشد که خدا را شکر تا کنون اینجانب از این نعمت بهره مند بوده ام و تشکر و قدردانی خود را از ایشان اعلام می دارم ولی کفایت

که این فکر و تصور در اذهان مقامات شهرستان رسوخ کند که حمایت کافی از اینها نمی شود در این صورت نه تنها مدیر مربوطه ضربه خواهد خورد بلکه کل شرکت آب منطقه ای متحمل خسارات جبران ناپذیری خواهد شد.

### **رودخانه ها و انهار شهرستان نهاوند و چالشهای پیش رو**

همانطور که قبلا هم اشاره کردم شهرستان نهاوند به خاطر سرباهای و رودخانه ها و مسیلهای های متعددی که دارد از یک طرف دارای نعمت خدادادی و جلوه های زیبایی از طبیعت دارد ولی روی دیگر سکه تنشها و درگیریهای مرتبط با آن می باشد که بخصوص در فصول خشکسالی نمود زیادی دارد و جز جدایی ناپذیری از آنها می باشد و باعث شده است شهرستان نهاوند و منابع آب آن از پر چالش ترین شهرهای استان گردند. قبل از ورود به به این مبحث اشاره ای گذرا به اقدامات انجام شده بعد از سیلاب ۹۸ را ارائه می دهم

با توجه به تبعات و خساراتی که سیلاب مذکور در کل کشور به جا گذاشت پیگیریهای مستمر و دستورالعملهای جدیدی جهت جلوگیری از هرگونه حائثه غیرمترقبه جدید آغاز گردید که در شرکت آب منطقه ای همدان این امر با لایروبی رودخانه ها به صورت برجسته ای خود را نشان داد.

در شهرستان نهاوند نیز با توجه به دارا بودن تعداد زیادی منابع آب سطحی ، این موضوع در اولویت کاری قرار گرفت. لایروبی حدود ۳۵ کیلومتر از انهار و مسیلهای مخاطره آمیز تا قبل از شروع فصل بارش و زمستان سال ۹۸ اقدامات مهم و تاثیر گذاری بود که برای چند سال مسیره های مورد نظر را از این نظر بیمه ساخت. مهمترین مسیره های لایروبی شده با توجه به تجربه سیلاب بهار سال ۹۸ عبارت بودند از رودخانه گاماسیاب که در چندین منطقه خاص بر روی آن اقدامات لایروبی انجام شد ، مناطق سرخکند، فیازمان ، گردچم ، دهفول ، چولک ، فهرومند در بخش مرکزی و مسیلهای بخش گیان ، و مسیلهای درانه و عسگر آباد در بخش زرین دشت از اهم فعالیتهای لایروبی بودند. یکی از مشکلات کاری در این قسمت نیز کمبود اعتبارات و همچنین کمبود ادوات بیل مکانیکی بود که در سرعت عمل و پیشرفت کاری تأثیرات سو خود را داشتند .

خوشبختانه در ان سال با خطر سیلاب مواجه نشدیم ولی دو سال بعد متأسفانه با محروم شدن از نعمت الهی بارشهای فصلی و مناسب با چالش خشکسالی مواجه شدیم که بسیار وخیم تر و آثار نامطلوبتری نسبت به سیلاب در طولانی مدت بجای می گذاشت که شرح ما وقع آن در ادامه خدمتتان ارائه خواهد شد .

### **کانال شعبان ومعضلات حل نشدنی آن**

رودخانه گاماسیاب از همان ابتدای مسیر دارای انشعاباتی می شود که بزرگترین چالشها و درگیریها را به خصوص در فصول کم بارش و خشکسالی تا پایان فصل کشت به دنبال دارد. این بندها و انهار به ترتیب عبارتند از: ۱- بند ورآینه بیان (که به قلعه سفید یا سنگ سوراخ نیز معروف هست) که حدود ۲۴۳ هکتار اراضی را آبیاری می کند - ۲- بند گبری (یا بابا قاسم) که چندین روستا را در مسیر خود مشروب می سازد، ده حیدر، گل حیدر، تا بابا قاسم تقی آباد و مالکی و ... که حدود ۷۰۰ هکتار اراضی را آبیاری می کند - ۳- بند بیان- تکه، اراضی روستاهای بیان و تکه را که حدود ۵۵۰ هکتار است آبیاری می کند - ۴- بند فیازمان که روستاهای گردچم و امیربابارستم تا بابارستم را آبیاری می کند که حدود ۸۱۲ هکتار می شود - ۵- نهایتا بند شعبان یا قلعه قباد که در انتهای مسیر مذکور واقع شده است و حدود ۲۰ کیلومتر طول دارد و بالای ۱۸۰۰ هکتار باغات و اراضی را در مسیر خود مشروب می سازد (روستاهای شعبان، قلعه قباد، جهان آباد، کوهانی، رضی آباد، گل زرد، نقاره چی، گوشه سرآسیاب، پنجیران، میرزا قصابی، ریشه کمر و هلیجان).

کانال شعبان که در ابتدا نهر شعبان بوده است و بنا براسناد موجود، بالای ششصد سال سابقه تاریخی دارد که در پی خشکسالیهای سال ۷۸ و بحرام کم آبی ناشی از آن، اقدامات اولیه به منظور بتنی کردن آن شروع شد و نهایتا در حدود سالهای ۸۵ مقدار ۱۵ کیلومتر آن بتنی شد و مورد بهره برداری قرار گرفت و حدود ۴۵۰ دریاچه فرعی از آن منشعب می شود و بند بتنی قلعه قباد نیز در ابتدای آن تعبیه شده است.

اراضی تحت پوشش کانال شعبان یکی از آن جهت که در انتهای مسیر مذکور قرار گرفته است و از طرفی دیگر بیشترین سطح زیر کشت را دارد (بالای ۱۸۰۰ هکتار) و اینکه نوع کشت غالب آن باغات می باشد که باعث می شود گاه تا اوایل پاییز نیز احتیاج به آبیاری داشته باشد همگی باعث شده است که آبرسانی به باغات آن با حساسیت ویژه ای روبرو شود. از طرفی دیگر با توجه به سنتی بودن بندهای بالادستی (قلعه سفید و گبری) باعث شده که هیچگونه کنترلی بر آنها نباشد و بیشتر از سهمیه خود از رودخانه گاماسیاب آبیاری نمایند و دو بند بتنی دیگر نیز (بیان تکه و فیازمان) توسط متخلفین تخریب می شود لذا حق و سهمیه قانونی مورد نیاز کانال شعبان نهایتا تامین نمی شود و سبب ایجاد تجمعات متعدد و تنشهای اجتماعی در سطح شهرستان می گردد که آثار سو آن امور آب شهرستان و شرکت آب منطقه ای همدان را نیز در بر می گیرد.

برای کاهش بحرانهای موجود آمده به خصوص در این دو سال خشکسالی اخیر راهکارهایی انجام شده یا ارائه شده که به شرح ذیل توضیح داده می شود:

۱- دوگانه بودن مسئولیت نظارت بر کانال شعبان: بعد از تصویب قانون ملی شدن آب در سال ۱۳۴۷ کلیه مسئولیت تقسیم و توزیع آب و اخذ حق النظاره با اداره آبیاری و وزارت آب و برق بوده است ولیکن با تصویب قانون توزیع عادلانه آب در سال ۶۱ این مسئولیت بین وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو تقسیم شده است (ماده ۲۱ و تبصره ذیل آن) و این دوگانگی در کانال شعبان نمود برجسته ای پیدا کرده است و باعث شده با تفاسیر مختلف از مواد قانونی (مانند ماده ۲۱ و ماده ۲۹ و تبصره های ذیل آن) توزیع عادلانه آب، همیشه اختلافات فی مابین امور آب و جهاد کشاورزی جهت انجام مسئولیتهای مرتبط

وجود داشته باشد. برای مثال در تعریف کانالهای درجه ۱ و ۲ که با وزارت نیرو است و درجه ۳ و ۴ که برعهده وزارت کشاورزی است و اینکه کانال شعبان با تعریف کانال درجه ۱ و ۲ می خواند یا درجه ۳ و امثالهم .

۲- بتنی کردن کانالهای سنتی بالادست کانال شعبان که عمده آنها بند قلعه سفید ( وراینه بیان ) و گبری است که با این کار ، کنترل بهتری بر آنها صورت خواهد گرفت اگر چه بندهای پایتتر(بیان-تکه و فیازمان ) با اینکه بتنی است ولی متاسفانه با تخریب توسط متخلفین عملا از کارایی لازم افتاده اند .

۳- بندبتنی کانال آب رسانی نیروگاه گاماسیاب کاملا حفاظ فلزی با سقف پوشیده داشته باشد که امکان بالارفتن یا بریدن آن (مانند فنسهای کنونی ) نباشد که امکان دستکاری آن غیرممکن یا حداقل به سختی انجام شود .

۴- انهار سنتی و دستی درجه ۴ کشاورزی که آب بین قطعات زراعی را توزیع می کند بتنی شوند (که در حیطة وظایف جهاد کشاورزی است ) و همچنین سیستم های نوین آبیاری در باغات انجام گردد (وظیفه جهاد کشاورزی است ) .

۵- بحث حقابه و اخذ آب بها از بهره برداران تحت پوشش کانال شعبان که از چند جهت مشکل زا شده است . همانطور که در بالا اشاره شد و در جلسات مکرری نیز که مابین جهاد کشاورزی و آب منطقه ای نیز مطرح شده اند و تفسیر قانون توزیع عادلانه آب می باشد. تبصره ذیل ماده ۲۱ قانون توزیع عادلانه آب به صراحت بیان می دارد که تقسیم و توزیع آب کانال کشاورزی و اخذ حق النظاره با وزارت کشاورزی است . همکاران جهاد می گویند چرا فقط بخش اول این تبصره اجرا میشود و منظور آنها این هست که اگر تقسیم و توزیع با جهاد کشاورزی است ، اخذ حق النظاره نیز باید با جهاد باشد و به قولی به حساب وزارت کشاورزی واریز شود . چرا باید زحمات و مشقتهای توزیع با جهاد باشد ولی حق النظاره و آب بها به حساب وزارت نیرو واریز شود ؟ که البته این جای بحث دارد و می بایست توسط کارشناسان و قانون شناسان در این خصوص تحقیق و نتیجه گیری شود.

بخش دیگری از منازعات بوجود آمده در خصوص دستورالعملی است که در سال ۹۹ و با تصویب هیات وزیران و با تایید وزرای نیرو و جهاد کشاورزی جهت اجرا ابلاغ گردیده است . منظورم "دستورالعمل تحویل حجمی آب " می باشد . کانال شعبان نیز جز کانالهای مدرن در دستورالعمل مذکور معرفی شده است و خلاصه در این دستورالعمل که در بندهای متعدد وظایفی را برای جهاد کشاورزی و شرکت آب منطقه ای تعریف کرده است اجرای دستورالعمل فوق با توجه به تجربه دوساله ای که در این خصوص داشتیم نه اینکه مشکلی حل نکرد بلکه بر مشکلات ما افزود به طور خلاصه براساس این دستورالعمل پیمانکار معرفی شده از طرف جهاد می بایست نسبت به اخذ آب بها از کشاورزان و باغداران اقدام نماید و از مبلغ اخذ شده هم هزینه نیروها و میرابهای تحت امر خود را تامین نماید و هم هزینه های جاری مانند خرید قفل و زنجیر و تعمیرات و ... و بکارگیری نیروی انتظامی و هزینه شام و نهار و ... که این در عمل با توجه به شرایط اجتماعی شهرستان نهاوند عملا غیرممکن بود . یکی از دلایل این بود تا قبل از این دستورالعمل فرمانداری و کمیته برنامه ریزی مبلغی را برای ساماندهی نهر شعبان و عملیات تقسیم و توزیع آب کانال شعبان تخصیص می داد و پیمانکار نیز قرار دادی با منابع آب نهاوند منعقد می کرد و مبلغی هم (مثلا جریبی ۱۰ هزار تومان ) بعنوان آب بها از کشاورزان می گرفت ولی با این شرایط جدید هیچگونه اعتباری از طرف

فرمانداری در این خصوص تعریف نمی شد و افزایش ناگهانی تعرفه ها (این مبلغ در سال جاری حدود جریبی ۵۰۰ هزار تومان شده است) با مقاومت بهره برداران روبرو می شد. یکی از راهکارها این شد که این مبلغ را به صورت پلکانی افزایش دهیم تا کم کم کشاورزان آمادگی لازم را پیدا کنند برای همین در مصوبات شورای تامین مبلغ را بسیار کاهش دادند. در سال ۹۸ و ۹۹ قرار داد با پیمانکار منعقد شد و چک و مبالغی اخذ شد اگر چه پیمانکار مدعی بود همین مقدار هم نتوانسته از کشاورزان جمع آوری کند و بیشتر مبلغ را از خودش پرداخت کرده است. به دلیل همین مشکلات و مقاومتی هم که جهاد کشاورزی از خود نشان داد در سال ۱۴۰۰ عملاً قراردادی منعقد نشد. از طرفی شرکت مدیریت منابع آب تهران طی پاسخی به استعلام به عمل آمده بیان کرد که هرگونه کاهش در تعرفه خلاف مقررات می باشد و این مبالغ بر اساس قانون تثبیت آب بهای زراعی و براساس قیمتهایی هست که خود جهاد کشاورزی اعلام می کند (یعنی سه درصد قیمت محصول برای کانالهای مدرن) و از آن طرف نیز دیوان محاسبات قرار داد منعقد شده سال های مذکور را تخلف اداری اعلام کرد و بیان نمود که شورای تامین فرمانداری هیچگونه صلاحیتی در کاهش تعرفه های اقتصادی ندارد و پرونده مدیرعامل و فرماندار وقت در دادسرا دیوان محاسبات همچنان گشوده است! و اگر در سال جدید بازهم شورای تامین مصوب کرد مبلغ و تعرفه به ۱۲.۵ درصد تعرفه واقعی کاهش یابد ولی به دلیل مشکلات ذکر شده همچنان قرار دادی منعقد نشده است.

تجربه ای که در این دو سال و براساس دستور العمل تحویل حجمی بدست آوردیم این بود که نمی بایست به خاطر جهاد کشاورزی و فرمانداری و به این دلیل که تعرفه زیاد هست و حبابه جمع نمی شود زیر بار کاهش تعرفه می رفتیم. منطقی ترین کار این است که تعرفه واقعی و مبلغ واقعی را به جهاد کشاورزی ابلاغ نماییم و این مشکل از طرف جهاد باید مرتفع شود و از طریق مراجع ذیربط پیگیری نماید که همچنین مبلغی قابل جمع آوری نیست و پیمانکاری نیز زیر بار این مسئولیت نمی رود. با کاهش تعرفه ها نه قرار دادی بسته شد و از این طرف متخلف هم شدیم یعنی دو سر باخت. بهتر است مسئولیت شرکت آب منطقه ای و سازمان جهاد کشاورزی همدان در جلساتی نشستنی داشته باشند و جهت تعیین تکلیف این وضعیت هر چه زودتر تصمیم گیری کنند و نگذارند موضوع مجدداً به سال آینده کشیده شود که همین بازیها تکرار شود و قبل از شروع فصل زراعی جدید کانال شعبان را از دستورالعمل تحویل حجمی خارج نمایند.

۶- یکی از پیشنهادها ی جهت کاهش تنشها و درگیریها که از طرف جهاد کشاورزی نیز بر روی آن اصرار می شود و حتی در سفر ریاست جمهوری نیز مطرح گردید و در جلسات اخیر نیز با حضور معاون محترم وزیر نیرو (جناب آقای دکتر الماسوندی) و استاندار محترم و هیئت همراهشان مطرح گردید ساخت کانال انتقال (اصلی) در کنار کانال شعبان می باشد از مزایای اعلام شده این طرح این می باشد که به جای کنترل حدود ۴۵۰ دریچه در طول ۱۵ کیلومتر کانال شعبان در هر منطقه ای مثلاً یک دریچه تعبیه می کنیم حدود ۲۰ دریچه که هر دریچه آب یک منطقه را مثلاً ۲۰ دریچه را پوشش می دهد و کنترل دریچه ها به ۲۰ دریچه محدود می شود و جلوی بسیاری از خرابکاری ها گرفته می شود که البته این طرح اعتبار بالای ۱۰۰ میلیارد تومان دربرخواهد داشت که ممکن است با توجه به شرایط اجتماعی پیش آمده (مثلاً رفع معارضات کشاورزی و ...) به بیش از اینها نیز برسد و زمان و انرژی بسیاری نیز مستهلک نماید.

۷- در این دو سال بحرانی و خشکسالیهای بوجود آمده با مصوبات شورای حفاظت منابع آب از برخی چاهها بی که امکان انتقال آب آنها به کانال شعبان بود استفاده گردید مانند چاه بیمارستان علیمردیان. یا برخی چاههای روستاهای تحت پوشش مانند مناطق کوهانی و رضی آباد با آبیاری کردن قسمتی از باغات سهمی در کاهش تنشها داشتند.

اینها راه حلهای عمده ای بود که بیشترین مانورها بر روی آنها صورت می گیرد. علاوه بر اینها کانال شعبان در حال حاضر دارای مشکلات و ایراداتی نیز می باشد که می بایست حل شوند و اگر کوچک و ناچیز انگاشته شوند تبعات سنگینی تحمیل خواهند کرد. مانند تعمیرات دریاچه های معیوب، مسدود کردن دریاچه های غیرقانونی، لایروبی کانال و تعمیر فسنهای پاره شده یا بریده شده که همین نبود فنس بر روی یکی از پلهای کانال شعبان باعث سقوط کودک ۳.۵ ساله و غرق شدن آن شد که مدت دو سال این مدیریت را درگیر دادگاه نمود و در حال حاضر نیز از این مناطق چندین مورد شناسایی شده اند که جهت جلوگیری در درجه اول از خسارات جانی و داغدار شدن خانواده ها و در ثانی تحمیل هزینه های مالی و معنوی بر شرکت، بهتر است هرچه زودتر نسبت به رفع ایرادات مذکور اقدام نمود.

مشکلات نهر شعبان به قدری پر رنگ است که عملا دیگر مشکلات این شهرستان را تحت شعاع خود قرار داده است در مبحث آبهای زیر زمینی نیز دشت نهاوند در بسیاری از نقاط با چالش اضافه برداشت بیشتر از پروانه بهره برداری مواجه هستیم و سرسختی و مقاومت آنها جهت کاهش قدرت موتورهای تعبیه شده یا نصب کنتورهای هوشمند آب و برق بر روی چاههای کشاورزی از اهم مشکلات این حوزه می باشد. کشت اراضی خارج از پوشش که این نیاز به همکاری جهاد کشاورزی بعنوان متولی الگوی کشت نیز می باشد متاسفانه اهداف جهاد کشاورزی که بیشتر در پی توسعه اراضی و باغات و افزایش محصولات زراعی می باشد عملا در برخی اوقات با اهداف وزارت نیرو که صرفه جویی در مصرف آب هست در مقابل هم قرار می گیرند. شکایات متعدد از طرف کشاورزان یا سهامداران در خصوص تخلفات حوزه کشت خارج پوشش برخی اوقات اداره را با چالشها و درگیریهای متعدد روبرو می کند پیشنهاد می گردد شرکت آب منطقه ای از طریق استعلام از وزارت نیرو تکلیف این موضوع را نهایی سازد و تعیین مصادیق مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب را (در خصوص اراضی خارج پوشش نه تغییر کاربری) را به جهاد کشاورزی و کارشناسان رسمی دادگستری محول نماید در این صورت خود جهاد کشاورزی نیز با مسئولیت پذیری بسیار بیشتر در این خصوص اقدام خواهد کرد.

یکی دیگر از تنشها و چالشهای دشت نهاوند مبحث پمپاژهای غیرقانونی از رودخانه ها و آبهای سطحی است که مخصوصا در دو سال خشکسالی در کنار نهر شعبان و به خصوص در فصل بهار اکثر زمان و انرژی و نیروی اداری را صرف خود کرده است و بدون اینکه نتیجه قابل ملاحظه ای گرفته شود بدون راه حل مشخصی همچنان به صورت یک معضل باقی مانده است که در زیر توضیحاتی جهت شفاف سازی ارائه می گردد.

### پمپاژهای غیرقانونی آبهای سطحی



در حدود سال ۱۳۶۸، آب منطقه ای غرب، طی مجوزی به ۲۴ نفر از زارعین روستاهای مجاور رودخانه گاماسیاب اجازه برداشت از این رودخانه بوسیله موتور پمپ را صادر نمود حدود یک الی دو سال بعد با توجه به تبعات سوو نامطلوب صدور مجوزها، کلیه آنها لغو گردید. این مجوزها باعث شد که بسیاری دیگر نیز نسبت به پمپاژ کردن غیرقانونی از رودخانه گاماسیاب اقدام نمایند و عملاً سبب شد که آب رودخانه به حقایق بران پایین دست نرسد. که خود سبب شروع اعتراض روستاهای پایین دست شد. این درگیریها تا همین اکنون نیز ادامه دارد و به خصوص در سالهای خشک و کم بارش به اوج خود می رسد. در سالهای ۹۸ و ۹۹ با توجه به سیلاب رخ داده مشکلی وجود نداشت ولی در بهار سال ۱۴۰۰ که خشکسالیها کم کم نمود پیدا کردند تجمعات و اعتراضات شروع شدند. بزرگترین اعتراضات از طرف کشاورزان روستاهای، شهرک سلگی، موسی آباد، شریف آباد و رودباری صورت گرفت که به پمپاژهای غیرقانونی توسط روستاهای بالادست که عمدتاً در گوشه، گوشه سعد وقاص، علمدار، وهمان انجام می گرفت. تجمعات گسترده در برابر فرمانداری شهرستان نهاوند و مراجعات مکرر به منابع آب نهاوند منتج به تشکیل جلسات متعددی شد، که در چندین جلسه که با حضور فرماندار و دادستان و فرمانده کل نیروی انتظامی و مسئولین استانی شرکت آب منطقه ای همدان تشکیل شد راهکارهای ارائه گردید از آنجمله این بود چون خشکسالی غیر مترقبه بود جهت جمع آوری کشت گندم و گشنیز روستاهای بالادست که نهایتاً تا اواسط تیرماه جمع آوری می شد فرصتی داده شود با شرط اینکه پمپهای محدودی به صورت محدود استفاده شود و بعد آن با کلیه متخلفین به شدت برخورد خواهد شد. اما در عمل متأسفانه این همکاری صورت نگرفت و استفاده های غیر قانونی تا پایان فصل پاییزه در سال ۹۹ ادامه یافت.

با توجه به تجربه کسب شده و با اولتیماتوم دادستان نهاوند اقدامات پیشگیرانه ای برای سال زراعی بعد صورت گرفته از آن جمله صدور اخطاریه برای کلیه پمپهای غیرقانونی شناسایی شده و نصب بنر در اماکن عمومی و محل اجتماعات روستاهای دارای تخلف مبنی بر برخورد شدید با کلیه متخلفین و اطلاع رسانی از طریق شبکه های مجازی. این اقدامات باعث شد در فصل زراعی بعد نسبت به جلوگیری از کشت صیفی جات و گوجه خیار تا حد زیادی جلوگیری شود ولی همچنان کشت و زرع گندم و گشنیز و... ادامه داشت با جلساتی که در آغاز سال ۱۴۰۱ انجام شد و دستور دادستان نهاوند و طی هماهنگی انجام شده با فرماندهی نیروی انتظامی قرار بر انجام عملیاتی جهت قلع و قمع ادوات شد. با توجه به مفاد ماده یک توزیع عادلانه آب و تبصره ذیل آن که تقسیم و توزیع آب کشاورزی را برعهده جهاد کشاورزی اعلام می کرد و با دستور دادستان محترم نهاوند، جهاد کشاورزی نهاوند نیز به موضوع ورود پیدا کرد. و براساس دستور دادستان قلع و قمع لوله های آبرسانی در حریم و بستر رودخانه و جمع آوری ادوات غیرمجاز پمپاژ برعهده مدیریت منابع آب و جمع آوری لوله ای آبرسانی در اراضی کشاورزی برعهده جهاد کشاورزی می باشد.

طی سه مرحله و با حضور نمایندگان منابع آب نهاوند و جهاد کشاورزی و فرماندهی انتظامی نهاوند و به کارگیری چندین کارگر و بیل تراکتوری و اره برقی و دستی نسبت به بریدن لوله ها و قلع و قمع آنها و ضبط چند مورد موتور پمپ اقدام گردید و برای مدتی وضع آبرسانی بهبود یافت ولی متأسفانه مجدداً تخلفات شروع شد.

مشکل عمده اینجا بود که پمپها به اصطلاح تراکتوری بودند و در عرض چند دقیقه در انتهای تراکتور نصب شده و با خبر دار کردن آنها به راحتی توسط تراکتور قابل جابجایی بودند و تجربه جدیدی هم که پیدا کردند نسبت به استفاده از لوله های تا شو و قابل حمل و جابجایی به جای لوله های پلیکا و پی وی سی نمودند و مشکلات را دو چندان کرد .

با توجه به ادامه اعتراضات و سختی کار تصمیم جدیدی اتخاذ شد طی قرار دادی فیما بین کشاورزان و فرماندهی نیروی انتظامی قرار بر این شد به صورت شبانه روزی نیروی انتظامی در کل مسیر حضور داشته باشد و در صورت مشاهده تخلف به صورت جرم مشهود و یا با حضور نمایندگان منابع آب و جهاد کشاورزی نسبت به جمع آوری ادوات آبرسانی اقدام گردد . طرح در ابتدای کار بسیار موفقیت آمیز بود به طوری که علیرغم کاهش آبدهی رودخانه ها آب به روستاهای پایین دست رسید و باعث شادی و شغف آنها شد ولی این بار درگیریهای فی مابین نیروی انتظامی و روستاهای متخلف بالادست بیشتر شد و تجمعات و اعتراضات آنها را در پی داشت . بنا به دلایلی و متاسفانه اعمال نفوذهایی که برخی متخلفین می کردند و همچنین تنشهای اجتماعی که پیش آمده بود ادامه کار با مشکلاتی فراوان مواجه شد که توضیحات آن خارج از حوصله این متن هست . به مرور هم با توجه به افزایش گرما و کاهش آبدهی رودخانه ها نیز کم کم موضوع پمپاژ ها فروکش کرد ولی این ماجرا در صورت تداوم خشکسالیها ادامه دار خواهد بود و باید چاره ای برای آن اندیشید .

ناگفته نباید یکی دیگر از اقداماتی که در این خصوص انجام شد تشکیل پرونده قضایی برای متخلفین بود و پیگیریهایی که برای آنها انجام شد که با توجه به طولانی بودن روال قضایی عملا کارکرد مطلوبی نداشت . در مناطق دیگر نیز این پمپاژهای غیرقانونی و اعتراضات وجود داشت ولی به شدت و فراگیری روستاهای فوق نبود . در جاهایی مانند کانال برزول و روستاهای زرامین سفلی و علیا یا روستای عنبر قنبر .

### **صدر سند مسیل باروداب**

یکی از اقدامات فاخر انجام شده در این مدت صدور اولین سند تک برگ بستر رودخانه در استان همدان و جز اولینها در کشور بود و آن رودخانه بارودات بود . با همت همکاران محترم در منابع آب نهماوند و پیگیریهای صورت گرفته از اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهماوند و تعامل خوب و سازنده ایشان این اقدام قانونی صورت گرفت . جهت انجام این امر مطالعات اولیه در این خصوص صورت گرفته و پس از اطلاع رسانی به عموم مردم و در صورت نبود اعتراض نسبت به صدور سند اقدام خواهد شد . طبق این سند حدود ۴۰۶ هکتار از بستر رودخانه باروداب به مالکیت دولت درآمد . این سند به نام وزارت نیرو و شرکت آب منطقه ای همدان و به نمایندگی از طرف دولت صادر شده است

از اهداف صدور چنین سندهایی نیل به حکمرانی خوب آب می باشد تا بستر رودخانه ها از سو استفاده های احتمالی و پدیده ها شومی مانند زمین خواری که علاوه بر بستر رودخانه ها به طور مستقیم بر آب رودخانه ها و مدیریت سیل موثر است آزاد سازی گردند و از نتایج چنین حکمرانی ، تثبیت وضعیت مالکیت بستر رودخانه ها می باشد .

با توجه به ماده ۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب سال ۱۳۴۷ و همچنین ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ که بعد از انقلاب و متأثر از اصل ۴۵ قانون اساسی بوده و تقریباً همان مضمون قنون قبلی را دارد، بسترو انهار طبیعی و رودخانه ها اعم از دائمی و یا فصلی متعلق به دولت اعلام شده است و تعیین حدود و اجازه برای ایجاد هرگونه اعیانی در آن و اختیار پیگیری قضایی در این باره را به وزارت نیرو سپرده است .

لازم به توضیح است لزوم صدور سند مالکیت برای رودخانه ها و مسیلهها ، به دنبال تصویب قانون جامع حد نگار (کاداستر) کشور در سال ۱۳۹۳ صورت پذیرفت که تمام دستگاههای اجرایی را مکلف به اخذ سند مالکیت برای اراضی تحت مالکیت یا اداره خود نموده است .به موجب ماده ۳ قانون یاد شده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است ظرف ۵ سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، حد نگاری را به نحوی به انجام برساند که موقعیت و حدود کلیه املاک و اراضی داخل محدوده های مرز جغرافیایی کشور اعم از دولتی و غیردولتی و موقعیت کلیه کوهها ، مراتع، جنگلها ، دریاها ،دریاچه ها ،تالابها،مسیلههای دایر و متروکه و جزایر کشور مشخص و تثبیت شود و امکان بهره برداری از نقشه ها و سایر اطلاعات توصیفی و ثبتی کلیه املاک و اراضی کشور به صورت نقشه و اسناد مالکیت حد نگار در نظام جامع میسر گردد .

صدور سند برای بستر رودخانه ها و به نام دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی وزارت نیرو باعث تثبیت وضعیت حقوقی اراضی مذکور به عنوان مشترکات(مطلقاً غیرقابل واگذاری و غیرقابل فروش ) می گردد وعلاوه بر جلوگیری از تجاوز اشخاص به این اراضی و پیشگیری از پدیده زمین خواری ، از تبعات نامطلوب و تالی فاسدی که مبتلا به اراضی ملی و منابع طبیعی است و به مرور زمان و بروز مسائلی مانند قانونگذاری جدید ، قابلیت واگذاری پیدا می کند و به تملک اشخاص در می آید ، جلوگیری به عمل می آورد.

## پایان سخن

این خلاصه ای از اهم فعالیتهای اینجانب در طول حدود بیش از ۱۸ سال سابقه کاری می باشد و تا جایی که حافظه یاری می داد (به خصوص سالهای دور ) و با اولویت اهمیت موضوع به شرح و توضیح آنها پرداختم .امیدوارم این تجارب بتواند هرچند به صورت ناچیز مثر ثمر بوده باشد و جهت حل گوشه ای از مشکلات موجود در شرکت به کار آید .درپایان اول از همه از خداوند منان سپاسگزارم که این توان را به اینجانب عطا فرمودند که که گامی در جهت پیشبرد اهداف مملکت و خدمت گذاری به مردم این مرز و بوم بردارم و اگر نباشد یاری و الطاف ذات پاک او هیچ موجودی قادر به زیستن نخواهد بود چه رسد به حل معضلات پیش روی خود و جامعه اش ، ودر ادامه قردرانی ویژه از خانواده ام که در تمام مشکلات و پستی و بلندیهای کاری در کنارم بوده اند و در تمام سختی ها و کمبودها و ناملایمات پشتیبان و حامی اینجانب بوده اند و همچنین همکاران محترم شهرستان و استان که با حمایتهای همیشگی و به موقع باعث قوت قلب و دلگرمی شده اند و بدون این حمایتها بی شک در میانه راه متوقف می شدم و امیدوارم خداوند این توفیق را نصیبمان نماید که بتوانیم در راه رضای او و برای او و در جهت خدمت به مردم گامهای مفیدی برداریم.و علی الله المستعان .

